

خبرنامه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دوره جدید، سال سوم، شماره بیست و ششم، شهریور ۱۳۹۵

- ◆ بازدید شهردار و هیأت اجرایی - فرهنگی اصفهان از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ◆ هفتمین دوره «جایزه ادبی پروین اعتصامی» به دکتر روح انگیز کراچی تعلق گرفت
- ◆ برگزاری «همایش اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل»
- ◆ دیدار دکتر قبادی با اعضای مرکز اسناد فرهنگی آسیا
- ◆ دکتر حمید تنکابنی: اینکه خشنونت چیست و از کجا آمده باید در حوزه فرهنگ بررسی شود
- ◆ تقدیر از «صلح پایدار و جهان عاری از خشونت و افراطی‌گری» در روز ملی مردم‌شناسی
- ◆ زنان و مهاجرت: از دیگری جنسیتی تا دیگری ملیتی (با نگاهی به ادبیات معاصر عربی)
- ◆ دومین نشست تخصصی «مشروطه و زیست ایرانیان»
- ◆ بررسی وضعیت اجتماعی و سیاسی در مناطق کردنشین و نسبت آن با امنیت اجتماعی
- ◆ نشست «تأملاتی بر حادثه نیس فرانسه»
- ◆ گزارش نشست «مطالعات راهبردی شاخص‌سازی» با موضوع «مروری بر وضعیت سواد و تحصیلات در ارتباط با امنیت اجتماعی در ایران»
- ◆ نقد و بررسی دیدگاه‌های عابدالجابری در نشست تخصصی «گونه‌شناسی مطالعات قرآنی در جهان معاصر»
- ◆ گزارش فعالیت «پرتال جامع علوم انسانی» در سال ۱۳۹۵
- ◆ گزارش فعالیت‌های «شورای سیاست‌گذاری طرح اعتلا» در مردادماه ۱۳۹۵
- ◆ دکتر افراشی: طرح اعتلای علوم انسانی مهم‌ترین گام در جهت کارآمدسازی علوم انسانی است
- ◆ گزارشی از کارگاه‌های برگزار شده پژوهشکده زبان و ادبیات
- ◆ بازدید اساتید و کارمندان پژوهشگاه از آسایشگاه جانبازان
- ◆ گزارش «روز ملی شعر و ادب فارسی» و مراسم بزرگداشت استاد محمدحسین شهریار
- ◆ نشست تخصصی «رهیافت‌های علم‌شناسانه به دانش‌های علوم قرآنی»

بازدید شهردار و هیأت اجرایی - فرهنگی اصفهان از پژوهشگاه

کرد. وی برنامه شهرداری اصفهان برای تبدیل آن به شهر دانایی محور را هم راستا با برنامه توسعه راهبردی پژوهشگاه عنوان کرد و تحول رویکرد صنعتی اصفهان از صنایع سنتی به صنایع جدید و فناوری های نوین را مورد تأکید قرار داد که در این زمینه، علوم انسانی به طور ویژه مورد توجه قرار گرفته است.

همچنین دکتر جمالی نژاد از اختصاص «منطقه ای» چند هکتاری در این شهر برای تأسیس پارک علم و فناوری در حوزه علوم انسانی خبر داد که از جمله اهداف مورد تأکید جدی شهرداری و استانداری قرار دارد. وی در این زمینه با تأکید بر اهمیت و محوریت پژوهشگاه در علوم انسانی کشور، از این مؤسسه برای همکاری و گسترش فعالیت های پژوهشی در زمینه دانایی محوری و انجام طرح های کلانی مانند آمایش شهری کمک خواست.

در پایان این دیدار، دو طرف ضمن تأکید بر پیگیری مصوبات این جلسه در قالب انعقاد تفاهم نامه، هدایایی را به رسم یادبود به یکدیگر تقدیم کردند.

عصر روز یکشنبه ۱۰ مردادماه، شهردار و اعضای شورای شهر اصفهان به همراه رئیس انجمن حکمت و فلسفه و معاون پژوهشی دانشکده علوم انسانی دانشگاه اصفهان، با حضور در پژوهشگاه، با اعضای هیأت رئیسه دیدار کردند. در ابتدای این دیدار، دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه ضمن خیرمقدم به مهمانان، ظرفیت ها و علاقه پژوهشگاه برای گسترش همکاری های علمی و پژوهشی با نهادهای اجرایی، فرهنگی و اجتماعی کشور و به ویژه تلاش برای پرداختن به مسائل منطقه ای و استانی را مورد تأکید قرار داد و این بازدید را رخداد مبارکی در جهت ترویج جایگاه علوم انسانی در سطح منطقه ای و ملی دانست.

در ادامه، دکتر مهدی جمالی نژاد، شهردار اصفهان، ضمن معرفی امکانات بالقوه فرهنگی و تمدنی موجود در اصفهان، بر سهولت همکاری با شهرداری به عنوان مؤسسه عمومی غیردولتی که امکان فعالیت های ملی و بین المللی متنوعی را دارد، تأکید نمود و به تصویب عنوان «شهر اسلامی» برای اصفهان اشاره کرد و تعریف شاخصه های این عنوان را یکی از دغدغه های محوری شهرداری اصفهان عنوان



هفتمین دوره «جایزه ادبی پروین اعتصامی» به دکتر «روح انگیز کراچی» تعلق گرفت

آیین اختتامیه هفتمین دوره «جایزه ادبی پروین اعتصامی» عصر روز دوشنبه ۱۸ مرداد، با حضور دکتر علی جنتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، دکتر عباس صالحی معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اعضای هیأت علمی و داوران جایزه ادبی پروین اعتصامی در پژوهشگاه فرهنگ، هنر و معماری برگزار شد.

در این جشنواره برندگان ۶ رشته ادبیات بزرگسال، شعر، ادبیات کودکان، ترجمه، پژوهش و نقد ادبی و ادبیات نمایشی معرفی شدند و جایزه «کتاب برگزیده» به «تاریخ شعر زنان از آغاز تا سده هشتم هجری قمری» تألیف «دکتر روح انگیز کراچی» تعلق گرفت.



برگزاری همایش «اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل»

به دنبال نامگذاری سال ۱۳۹۵ به «اقتصاد مقاومتی: اقدام و عمل»، همایش «اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل» توسط گروه اقتصاد شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی در تاریخ پنجشنبه ۲۴ تیر ماه سال جاری در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

محورهای اصلی این همایش عبارتند بود از: ۱- تبیین مفهوم اقتصاد مقاومتی ۲- راهکارهای پیاده‌سازی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ۳- نقد و تحلیل متون منتشره در ایران در زمینه اقتصاد مقاومتی ۴- بررسی تجربه سایر کشورها در مقاوم‌سازی اقتصاد در عمل ۵- نقد و تحلیل متون منتشره در خارج از کشور در زمینه اقتصاد مقاومتی ۶- پیشنهاد عناوین و سرفصل‌های اقتصاد مقاومتی برای رشته‌های علوم اقتصادی. خلاصه‌ای از نکات مطرح شده در این همایش در زیر آمده است:

۱- اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که دارای الگوی بومی و علمی متناسب با نیازهای جمهوری اسلامی ایران و برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی است. اقتصاد مقاومتی در مواجهه با تکانه‌های اقتصادی (داخلی و خارجی)، رشد و شکوفایی خود را حفظ کرده و آسیب‌پذیری‌اش را از این تکانه‌ها کاهش می‌دهد. اقتصاد مقاومتی الگوی جامع اقتصادی برای استمرار مقاومت ملت ایران در برابر تهدیدهای خارجی و مشکلات داخلی است. نخبگی جوانان ایران، روحیه ایمان و مقاوم ملت عزیز، موقعیت جغرافیایی کشور، منابع خدادادی آب و خاک و ذخائر عظیم انرژی و سایر معادن، ظرفیت گردشگری زیارتی و کشاورزی و منابع آب و خاک، ظرفیت عظیمی برای دست یافتن به اقتصادی مقاوم است.

۲- بعد از مطرح شدن اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران، برداشتها و تفسیرهای متفاوتی از اقتصاد مقاومتی در متون داخلی، مطرح شده است. همسان پنداری اقتصاد مقاومتی با اقتصاد اسلامی، اقتصاد تحریم محور و ریاضتی بودن اقتصاد مقاومتی، از جمله آن برداشتهایی است که در مقالات، طرح‌های پژوهشی و کتاب‌های مختلف به آنها اشاره شده است و به نظر می‌رسد برداشتهای متفاوت با اقتصاد مقاومتی مطرح شده در بیانات رهبر معظم انقلاب باشد.

۳- در متون خارجی منتشره در زمینه مقاومت اقتصادی، به تاب‌آوری اقتصادی پویا به معنای توانایی برای بازیابی پس از وقوع شوک نامطلوب، در سطح خرد، میانی و کلان، پرداخته شده است. این موضوع فراتر از مقاوم‌سازی اقتصاد با رفع آسیب‌پذیری‌ها است و بر سیاست‌ها و اقدامات برای بازیابی



کردن آن در جامعه و سرانجام فعال شدن همه شیوه‌های سرمایه‌گذاری به عنوان پشتیبان نوپاها در مراحل آغازین فعالیت این نوع کسب و کارها است. از این رو لازم است مکانیسم‌های توسعه کارآفرینی نوپا در ایران را در چارچوب گفتمان اقتصاد مقاومتی شناسایی شود. جذب و ارزش نهادن بر استعدادها و موجود در هر منطقه یکی از پیشران‌های اصلی بروز کارآفرینی نوپا در بسیاری از مناطقی است که اکوسیستم مناسبی برای استارت‌آپ‌ها دارند. به منظور توسعه کسب و کارهای نوپا در کشور، حداقل در مراحل اولیه رشد شرکت‌ها، دولت به عنوان مهم‌ترین پیشران توسعه کارآفرینی بایستی به نحوی از آن‌ها حمایت کند. ایجاد پارک‌های علم و فناوری، مراکز رشد و مراکز شتاب دهنده کسب و کارهای نوپا، در کنار مواردی چون اصلاح مقررات، کمک‌های مالی و ارزش گذاشتن بر سرمایه انسانی موجود در کشور، با توجه به تأمین شرایط و فعال‌سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به منظور توسعه کارآفرینی، از جمله مکانیسم‌های مؤثر بر توسعه کارآفرینی نوپا در کشور هستند.

۸- برای تعیین الگوی توسعه زیر بخش‌های صنعت، بر اساس دو مؤلفه اصلی حفظ روند رو به رشد و کاهش آسیب‌پذیری، سه راهبرد اصلی صنعت دانش بنیان، ارتقای بهره‌وری، کارایی و رهایی از وابستگی تبیین شده و در هر یک از این راهبردها شاخص‌های اولویت‌بندی و توسعه صنایع (پانزده شاخص کمی و کیفی) بر مبنای اقتصاد مقاومتی تبیین شده است. اولین اولویت و سیاست در جهت اجرایی نمودن اقتصاد مقاومتی در صنایع کشور، کاهش وابستگی صنایع به

تأکید می‌کند. همچنین مقاومت اقتصادی در زمینه‌های: مقاومت در مقابل تغییر اقلیم، حوادث (بلایای) طبیعی، شوک‌های وارده به امنیت غذایی و کشاورزی، کم‌آبی، شهر مقاوم زیرساخت‌های مقاوم و شاخص‌های اندازگیری مقاومت اقتصادی، به کار رفته است. ابعاد مختلف تاب‌آوری اقتصادی می‌تواند در سیاست‌گذاری برای مقاومت اقتصادی در ایران مورد استفاده قرار گیرد. در متون خارجی به استراتژی مقاوم سازی اشاره شده و عناصر: آگاهی بخشی، ایجاد تنوع، خود سازمان‌دهی، ادغام و توان انطباق، مطرح شده است که این تجربه می‌تواند در تدوین استراتژی برای کشورمان مد نظر قرار گیرد.

۴- با عنایت به بند بیست و یکم سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در اهمیت شکل‌گیری گفتمان و ادبیات علمی در این حوزه، با اولویت تربیت و توانمندسازی بدنه کارشناسی اقتصادی کشور، به منظور تداوم پیشرفت اقتصادی، حفظ استقلال اقتصادی، کاهش آسیب‌پذیری و ضربه‌پذیری اقتصادی، ارتقاء پایداری، مقاوم‌سازی و مصون‌سازی در برابر تهدیدات اقتصادی، طراحی و تشکیل دوره‌های آموزشی رسمی اقتصاد مقاومتی در مراکز علمی و دانشگاهی کشور توصیه می‌شود. در این همایش، برنامه پیشنهادی برای دوره کارشناسی ارشد اقتصاد مقاومتی ارایه شد و مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

۵- جمهوری اسلامی ایران تاکنون با تحریم‌های اقتصادی متعددی مواجه شده است. این تحریم‌ها بر بدنه اقتصادی کشور ضربه زده است. اتخاذ الگوهای اقتصاد مقاومتی می‌تواند فشار تحریم‌ها را کاهش دهد. راهکارهایی مانند حمایت از تولید ملی، استفاده از ظرفیت بلااستفاده کشور و خوداتکایی می‌تواند در این زمینه مد نظر قرار گیرد.

۶- با رعایت بانکداری اسلامی می‌توان سطح مقاومت سیستم بانکی و اقتصاد بانک محور را در مقابل تکانه‌های اقتصادی تقلیل داد. تجربه بحران مالی اخیر نیز حاکی از تاثیرگذاری کمتر بحران‌های اقتصادی بر سیستم بانکداری اسلامی، در مقایسه با سیستم بانکداری متعارف بوده است.

۷- بند اول سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بر توسعه کارآفرینی و به حداقل رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی دلالت دارد. یکی از شاخص‌های پایش تحقق این بند، توجه به توسعه کارآفرینی نوپا در کشور است؛ در واقع، به منظور تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی نیاز به پرورش شرکت‌های نوپا و نوآور (استارت‌آپ‌ها) موجود دارد. رشد و تقویت کسب و کارهای نوپا، نیازمند بالندگی اکوسیستم نوپا و فراگیر شدن فرهنگ توجه به ایده و اقدام برای عملیاتی

مهمی است که ضرورت دارد بررسی آن با توجه به این ابعاد صورت گیرد. به منظور دستیابی به چنین اقتصادی علاوه بر توجه به عوامل و موانع اقتصادی نیازمند رعایت برخی الزامات و ضروریات فرهنگی و اجتماعی نظیر وفاق نخبگان، افزایش مشروعیت نظام سیاسی، مبارزه با فساد اقتصادی، کاهش نابرابری اجتماعی و اقتصادی، کارآمدسازی نظام تأمین اجتماعی، تحول در نظام اداری و تغییر سبک زندگی هستیم.



مواد اولیه خارجی می‌باشد، دومین اولویت تقویت صنایع استراتژیک مرتبط با نیازهای اساسی مردم بوده و سومین اولویت نیز افزایش میزان آموزش کارکنان هر رشته فعالیت صنعتی در راستای تقویت صنعت دانش بنیان می‌باشد. ۹- اجتماعی و فرهنگی بودن اقتصاد، به عنوان کنشی که در بستر اجتماعی روی می‌دهد، آن را موضوع مورد مطالعه جامعه‌شناسی اقتصادی نموده است. اقتصاد مقاومتی علاوه بر ابعاد اقتصادی، دارای ابعاد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی



تسلیت

جناب آقای دکتر بهمن حسینجانی

ضایعه درگذشت پدر مکرم جنابعالی را تسلیت عرض می‌کنیم و از خداوند متعال برای آن مرحوم غفران الهی و برای شما و خانواده محترم صبر جمیل و اجر جزیل مسألت داریم.

جناب آقای مهدی یزدانپناهی

درگذشت والده مکرمه جنابعالی را تسلیت عرض می‌کنیم و از خداوند متعال برای آن مرحومه غفران الهی و برای شما و خانواده محترم صبر جمیل و اجر جزیل مسألت داریم.

جناب آقای دکتر احمد کتابی

ضایعه درگذشت همسر گرامی‌تان را به جنابعالی را تسلیت عرض می‌کنیم و از خداوند متعال برای آن مرحومه غفران الهی و برای شما و خانواده محترم صبر جمیل و اجر جزیل مسألت داریم.

انتصاب

دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، طی احکامی، دکتر مریم قبادی را به عنوان «سرپرست پژوهشکده حکمت معاصر»، دکتر محمود کریمی علوی را به عنوان «رئیس پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات»، دکتر عباس خلجی را به عنوان «دستیار دبیر شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی»، دکتر نعمت‌الله فاضلی را به عنوان «مدیر گروه پژوهشی جامعه‌شناسی تاریخی»، دکتر هادی وکیلی را به عنوان «سرپرست گروه پژوهشی حکمت اسلامی معاصر»، دکتر فروغ پارسا را به عنوان «مدیر گروه پژوهشی مطالعات قرآنی»، دکتر غلامحسین مقدم‌حیدری را به عنوان «مدیر گروه پژوهشی تاریخ علم و تمدن» و همچنین دکتر علیرضا منصوری را به عنوان «مدیر گروه پژوهشی فلسفه، علم و فناوری» منصوب کرد.



دیدار دکتر قبادی با اعضای مرکز اسناد فرهنگی آسیا

کشور، فضای فیزیکی اختصاص یافته به مرکز به‌ویژه برای نمایش کتاب‌های مرکز و ایجاد کتابخانه اختصاصی آن، راه‌اندازی مجله بین‌المللی سه زبانه، تکمیل سایت و بروزرسانی اطلاعات آن، فرآیند انجام امور اداری و مسائل مالی را مطرح کرد و خواستار حمایت و توجه بیشتر رئیس و مسئولان پژوهشگاه به این مرکز شد. در ادامه سایر اعضای هیأت علمی مرکز نیز گزارشی از طرح‌های پژوهشی، مسائل و زمینه‌های علمی خود ارائه کردند.

سپس دکتر قبادی ضمن تبریک عید سعید قربان و ابراز مسرت از حضور در میان اعضای فعال مرکز، با بررسی مسائل مطرح شده، بر ضرورت تعامل و همکاری دوسویه در حل مشکلات تأکید کرد. رئیس پژوهشگاه با یادآوری جایگاه و اهمیت مرکز اسناد فرهنگی آسیا در خلق موقعیت برای ایجاد همدلی میان کشورهای آسیایی و حتی سایر کشورهای جهان، به اهمیت معرفی میراث‌های فرهنگی و تمدنی کشور از طریق این مرکز اشاره کرد. دکتر قبادی ضمن تأکید بر حمایت همه‌جانبه مسئولان پژوهشگاه از فعالیت‌های مرکز و ضرورت مدیریت زمان فردی و استفاده از ظرفیت‌های پژوهشگاه در پیشبرد امور، اظهار امیدواری کرد پیگیری‌های لازم، برای حل سایر مسائل مطرح شده صورت پذیرد.

دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، روز شنبه ۲۰ شهریور با حضور در شورای عمومی مرکز اسناد فرهنگی آسیا، با اعضای این مرکز از جمله آقایان دکتر سیدحمید تنکابنی، دکتر کامیار صداقت ثمرحسینی، دکتر حمیدرضا رادفر، آقای محمد نجاری، خانم‌ها دکتر هایدی قمی، مهندس زهره عطائی آشتیانی و خانم اشرف آراسته دیدار کرد.

در ابتدای جلسه، دکتر تنکابنی، رئیس مرکز اسناد فرهنگی آسیا، ضمن خیرمقدم و تشکر از حضور دکتر قبادی در شورای عمومی این مرکز، با معرفی اعضای مرکز گزارشی از فعالیت‌های انجام شده و در حال انجام، با تمرکز بر برنامه‌های راهبردی مرکز در سال‌های ۹۴ و ۹۵ ارائه کرد. در ادامه گزارشی از فعالیت‌های پژوهشی مرکز به‌ویژه طرح‌های پژوهشی اعضای هیأت علمی مرکز، مقالات مختلف و کتب منتشر شده آنان، همایش‌ها، نشست‌ها، سخنرانی‌های برگزار شده و فعالیت‌های صورت گرفته برای راه‌اندازی کتابخانه دیجیتال مرکز از سوی آقای نجاری ارائه شد. سپس خانم مهندس عطائی آشتیانی، معاون مرکز، مسائل و چالش‌های پیش روی مرکز و اعضای هیأت علمی از جمله فرآیند تصویب طرح‌های غیرموظف، انتشار کتب مشترک مرکز با همکاری سایر مراکز و موسسات



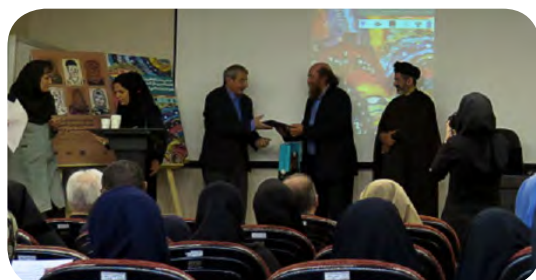
تقدیر از «صلح پایدار و جهان عاری از خشونت و افراطی‌گری» در «روز ملی مردم‌شناسی»

پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری که به مناسبت «روز ملی مردم‌شناسی» میزبان فرهیختگان و نخبگان فرهنگ و هنر بود، در بخش ویژه مراسم از همکاری اثرگذار مرکز اسناد فرهنگی آسیای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با پژوهشکده مردم‌شناسی پژوهشگاه میراث فرهنگی تقدیر کرد.

این همکاری‌های مشترک در برنامه‌ای با عنوان «صلح پایدار و جهان عاری از خشونت و افراطی‌گری» بین پژوهشکده مردم‌شناسی و مرکز اسناد فرهنگی آسیا، منجر به برگزاری همایش‌های ملی و بین‌المللی، چاپ و نشر ۱۴ عنوان کتاب و بیش از ۸۰ عنوان نشست علمی شده است.

این فعالیت‌های مشترک و تاثیرگذار علمی باعث شد که در همایش روز ملی مردم‌شناسی، مهندس سید محمد بهشتی، رئیس پژوهشگاه میراث فرهنگی، با اهدای لوح سپاس از تلاش و همراهی بی‌دریغ و اثرگذار علمی دکتر سید حمید تنکابنی (رئیس مرکز اسناد فرهنگی آسیا)، مهندس زهره عطایی‌آشتیانی (معاون مرکز) دکتر کامیار صداقت ثمر حسینی و دکتر محمد نجاری (پژوهشگران مرکز اسناد فرهنگی آسیا) تقدیر نماید.

لوح‌های تقدیر توسط دکتر محیط طباطبایی (مشاور عالی رئیس پژوهشگاه میراث فرهنگی) و دکتر طاها هاشمی (معاون فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی) به اعضای هیأت علمی مرکز اسناد فرهنگی آسیا تقدیم شد.



دکتر حمید تنکابنی: اینکه خشونت چیست و از کجا آمده باید در حوزه فرهنگ بررسی شود



همایش روز ملی مردم‌شناسی که در پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری برگزار شد، میزبان فرهیختگان و اندیشمندان حوزه مردم‌شناسی بود. از سخنرانان این نشست دکتر علیرضا حسن‌زاده (رئیس پژوهشکده مردم‌شناسی)، احمد محیط‌طباطبایی (مشاور رئیس پژوهشگاه میراث فرهنگی)، طه هاشمی (معاون فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی) و دکتر حمید تنکابنی (رئیس مرکز اسناد فرهنگی آسیای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) هریک از دیدگاهی به علم مردم‌شناسی پرداختند.

حمید تنکابنی، رئیس مرکز اسناد فرهنگی آسیای پژوهشگاه علوم انسانی، با تأکید بر برنامه راهبردی ۵ ساله مرکز اسناد فرهنگی آسیا با عنوان «صلح پایدار و جهان عاری از خشونت و افراطی‌گری»، گفت: خشونت بحرانی است که امروز حوزه فرهنگ ایران، آسیا و جهان را فرا گرفته است.

وی افزود: اینکه خشونت چیست و از کجا آمده جای تأمل دارد و باید در حوزه فرهنگ مورد بررسی قرار گیرد و رسالت اصلی اصحاب دانش در علوم انسانی این است که خشونت را مسأله‌یابی کرده و با مطالعات مردم‌شناسی این مسأله مهم را تحلیل کنند.

تنکابنی تصریح کرد: امروز دانش مردم‌شناسی باید استراتژی پاسخگویی به مسائل عصر حاضر را داشته باشد و صلح این یگانه راه همزیستی اقوام، فرهنگ و تمدن جز با شناخت مردم ممکن نیست.

زنان و مهاجرت: از دیگری جنسیتی تا دیگری ملیتی (با نگاهی به ادبیات معاصر عربی)

اروپایی هستند) به تدریج نه تنها احساس حاشیه بودن به عنوان «دیگری ملیتی» را در زن مهاجر ایجاد می‌کند، بلکه تبعیض‌های نژادی، دینی، مذهبی (البته با ظاهری مدرن) بار دیگر او را به حاشیه رانده و احساس «دیگری» بودن را در زن مهاجر دوجندان می‌نماید.

در این سخنرانی که گزارشی زود هنگام از پژوهشی در حال انجام است، با بررسی چهار رمان عربی که دو رمان نوشته زنان و دو رمان درباره زنان است، نقش سوژکتیو زن در رمان مهاجرت عربی مورد توجه قرار گرفته است. زمانی که زن‌ها خود از تجربه زیسته خود روایت می‌کنند یا شخصیت اصلی داستان‌های مردانه‌ای می‌شوند که لاجرم آنها را نه به عنوان نمادی برای بیان مفاهیمی دیگر، که به قصد بیان مشکلات تکرار شده فردی مورد توجه قرار داده‌اند.

اما پیش از آن، ذکر دو نکته ضروری به نظر می‌رسد:

اولاً: سیر تحول مفهوم مهاجرت در ادبیات عربی؛

ثانیاً: ارتباطی که این مفهوم با مقوله زبان پیدا می‌کند.

اگر مهاجرت را «کوچ فرد یا افرادی از مکانی جغرافیایی به مکانی دیگر» تعریف کنیم، قبایل کوچ‌نشین عرب از ابتدای ثبت تاریخ ادبیات همواره با این پدیده درگیر بوده‌اند و مویه‌های شاعران بر اطلال و دمن باقی مانده از خیمه‌گاه معشوق، مطلع بسیاری از غزل‌ها و قصاید دوران جاهلی بوده است.

با ظهور اسلام و مهاجرت‌های اجباری مسلمانان «مهاجرت» باری ارزشی- دینی یافت و محملی برای فرهنگ جدیدی شد که در قالب دین نوآورده به آنان عرضه می‌گردید. پس از وفات پیامبر و گسترش تدریجی دین اسلام و فتوحات اسلامی که به طور وسیعی، به ویژه، از دوران خلیفه دوم آغاز شد، قلمرو اسلام از مرزهای خاورمیانه و آفریقا نیز گذشت و تا قلب اروپا پیش رفت و مواجهه مسلمانان با سرزمین‌های جدید همراه با احساس تصرف و بالادستی ایشان، آثار قابل اعتنایی را در ادبیات عرب برجای گذاشت که بخشی از آن به نام «ادبیات اندلس» معروف است.

در قرن‌های اخیر، ظهور سه پدیده «استعمار»، «استبداد» و «اشغال (فلسطین)» باعث مهاجرت‌هایی با انگیزه‌هایی مختلف از کشورهای عربی به دیگر کشورها در درون و بیرون جهان عرب شد که ادبیاتی با عناوین «أدب

گروه مطالعات زنان پژوهشکده مطالعات اجتماعی در روز بیستم شهریور ۱۳۹۵ نشست با عنوان «زنان و مهاجرت: از دیگری جنسیتی تا دیگری ملیتی (با نگاهی به ادبیات معاصر عربی)» با سخنرانی دکتر شکوه حسینی از اعضای هیأت علمی این گروه برگزار نمود. آنچه در پی می‌آید خلاصه‌ای از مطالب مطرح شده در این سخنرانی است.

تحولات جدی در معادلات و مناسبات منطقه خاورمیانه و مهاجرت گسترده اقشار مختلف مردم از کشورهای بحران زده به مقصد اروپا، پدیده‌ای قابل اعتنا در محاسبات اجتماعی امروز در منطقه است. یکی از راه‌های مناسب برای بررسی چالش‌های ناشی از این پدیده، به‌ویژه برای زنان، خوانش داستان‌ها و روایت‌هایی است که از دل آن بیرون می‌آید و به شکل رمان و مجموعه‌های داستانی به قلم نویسندگان زن و مرد جهان عرب نگاشته می‌شود.

مفهوم «دیگری» و فرآیند «دیگری‌سازی» همواره یکی از مسائل جدی مورد توجه فیلسوفان و نظریه‌پردازان در دوره‌های مختلف تاریخی و حوزه‌های گوناگون فکری بوده است. یکی از عوامل مؤثر در «دیگری‌سازی» عامل جنسیت است و زن عموماً در چنین نگاه‌هایی به عنوان «دیگری» مرد تلقی شده است.

از سوی دیگر، مهاجرت خود یک عنصر «دیگری‌ساز» برای افرادی است که به عنوان حاشیه (نسبت به مرکز) در جامعه مهاجرپذیر زندگی می‌کنند.

حوادث پرشماری که در کشورهای عربی به ویژه از پایان نیمه نخست قرن بیستم با اشغال فلسطین آغاز شد و در سال‌های اخیر و درگیری‌های پیچیده در کشورهای منطقه بالا گرفت، مهاجرت را به معضلی جدی در این کشورها تبدیل نموده است.

در این میان، زنان که در گذشته در فرآیند مهاجرت، تابع مردان بوده‌اند، اکنون در معادلات نوین دنیای مدرن، نقش‌های متفاوتی یافته‌اند و در بسیاری موارد به طرز چشمگیری به انگیزه آزادی و ایفای حقوق پایمال شده در نقش «دیگری جنسیتی»، آگاهانه و با اختیار اقدام به مهاجرت می‌کنند. در ابتدای مهاجرت، معمولاً زن احساس آزادی توأم با نیل به مقصود دارد و احساس می‌کند تمام آرزوهایش محقق گردیده و توانسته است خود را از چرخه «دیگری جنسیتی» خارج سازد. لمس عینیت نامطلوب زندگی در کشور مهاجرپذیر (که اکنون عمدتاً کشورهای

المهجر»، «أدب المنفى» و «أدب الاغتراب» را به وجود آورد. این ادبیات هم همچون اسلاف خویش به زبان شعر بود و عمدتاً با زبانی رمانتیک، بار عاطفی دوری شاعر از وطن را در کنار پرداختن به مضامین انسانی منتقل می‌ساخت.

در دهه‌های اخیر، تکنولوژی و امکانات پیشرفته، از سویی نوعی هم‌دلی میان شخص مهاجر و مکانی که در آن زندگی می‌کند، به وجود آورده و از سوی دیگر، امکان دسترسی و ارتباط راحت‌تر او را با وطن بیشتر فراهم آورده است. بر این اساس، دل‌تنگی و اشتیاق شخص مهاجر به وطن از جنس گذشته نیست و او می‌تواند فعالانه و به گونه‌ای تأثیرگذار در این روند حرکت کند. دل‌تنگی ناشی از چالش میان خاطرات نوستالژیک شاعر و واقعیت‌هایی که در ادبیات مهجر پس از مهاجرت او در وطنش به وجود می‌آید، اکنون جای خود را به اراده‌ای «درزمانی» داده برای تعاملی مؤثر از سویی با وطن پشت سر نهاده شده و از سوی دیگر، با محیطی که اکنون امکانات آن ابتکار عمل بیشتری به شخص مهاجر داده است.

بدین ترتیب، می‌توان تغییر ژانر ادبی بیانگر این موقعیت را از «شعر» به «رمان» درک نمود که با جامعه مدرن امروز همراه‌تر است و فردیت نویسنده را نیز به خوبی بیان می‌دارد.

آنچه در این زمینه مورد توجه قرار می‌گیرد، نقش هویت‌ساز زبان عربی معیار (فصیح) برای مهاجران فرهیخته‌ای است که با وجود تفاوت‌های متعدد ملی، فرهنگی، دینی و قومی، یگانه راه بازسازی این هویت از دست رفته را در نوشتن به زبانی می‌بینند که نقطه اشتراکشان با تمامی کسانی است که در این جغرافیای گسترده زندگی می‌کنند یا متعلق به آن هستند.

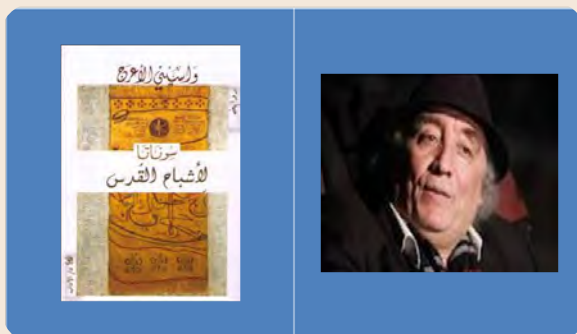
براین اساس، بسیاری از نویسندگان معاصر، به‌ویژه نسل جدیدی که به دلیل موانع پیش آمده با زبان عربی فاصله پیدا کرده بودند، خود به سراغ این زبان رفتند و تنها راه بازسازی هویت از دست رفته خویش را نوشتن و زندگی کردن به زبان مشترک با هم‌قومان خود (زبان عربی معیار) دانستند. آنان با روایت داستان‌هایی که در قالب رمان از دل این حوادث بیرون آمده، شاید بهترین طلایه‌دار حرکت هویت‌بخش به ملت‌هایی باشند که تمامی کیان و هستی‌شان دستخوش تاراج و فروپاشی شده است.

نخستین رمان مورد بررسی در این گفتار سوناتا لأشباح القدس نوشته واسینی الأعرج نویسنده بزرگ الجزایری است. وی بر آن است که «رمان می‌تواند زخم‌های عمیق را واکاود، چرا که - به سادگی - عنصری به شدت توانا به نام «آزادی» دارد که تاریخ فاقد آن است».

واسینی خود از نسل مهاجران مورسکی رانده شده از

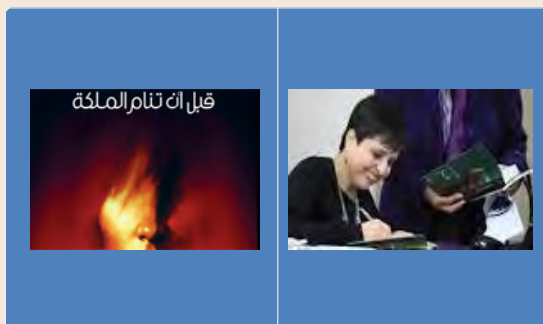
اسپانیاست. سوناتا لأشباح القدس داستان «می» نقاشی فلسطینی است که در سن هشت سالگی با اشغال فلسطین (۱۹۴۸) مجبور به ترک بیت‌المقدس و زندگی در نیویورک می‌شود. او در پایان عمر و در پی ابتلا به سرطان به پسرش «یوبا» وصیت می‌کند که جسد او را بسوزاند و خاکسترش را بر فراز رود اردن و محله‌های قدس بپراکند و استخوان‌هایش را در آمریکا دفن کند تا بتواند هر سه شنبه به سراغ مزار او برود. «یوبا» (که اسمی امازیغی از اقوام شمال آفریقا است) آهنگ‌ساز است و در خلال دیدارش از قدس، برای ارواح فلسطینیان سمفونی ناتمام می‌را همراه با وصیت‌های متعدد او در جانش می‌نوازد.

سوناتا لأشباح القدس / واسینی الأعرج
۲۰۰۹



واسینی أعرج به شیوه مرسوم رمان‌های متعدد خود، همپای سفر ظاهری شخصیت داستان، او را در فضاهایی پیچیده و تودر تو سیر می‌دهد و با انبوهی از خاطرات مبتنی بر تجربیات جمعی به نیویورک باز می‌گرداند، شهری که با سفر روحانی «یوبا» رنگ‌هایی تازه برای او ترسیم می‌کند و موسیقی دیگری در خیال او می‌نوازد.

قبل أن تنام الملكة / حزامه
حبایب ۲۰۱۱



رمان دوم مورد بررسی این جستار با عنوان قبل أن تنام الملكة نوشته رمان‌نویس فلسطینی، حزامه حبایب است. روایتی شهزادگونه به شکل خودگویی درونی از شخصیت

پایتخت گروه تروریستی داعش شده، آن را بر تارک ادبیات ماندگار کند، روایتی از زندگی و آمل و آرزوهای آدم‌های معمولی و از ریشه‌های نوستالژیک آنها در هویت تاریخی جغرافیایی که اکنون در حال فروپاشی است.

سماء قریبۀ من بیتنا / شهلا
العجیلی ۲۰۱۵



شخصیت زن این داستان هم مانند «می» در داستان سوناتا لأشباح القدس دچار سرطان می‌شود. تو گویی معضل نزدیک به هفتاد ساله جهان عرب که از اشغال فلسطین آغاز شده و اکنون به ویرانی و تخریب تمدن‌های قدیمی این خطه جغرافیایی انجامیده، مانند غده‌ای سرطانی به جان تمامی ارزش‌های انسانی و مادی این تمدن افتاده و روشن نیست این فروپاشی تا کجا و کی ادامه خواهد یافت؟!

منابع:

- الأعرج، واسینی: سوناتا لأشباح القدس، دارالآداب، بیروت، ۲۰۰۹.
- حبایب، حزامه: قبل أن تنام الملكة، انتشارات المؤسسة العربیة، بیروت، ۲۰۱۱.
- العجیلی، شهلا: سماء قریبۀ من بیتنا، انتشارات ضفاف، بیروت، ۲۰۱۵.
- فرزات، عدنان: تحت المعطف، انتشارات سما، کویت، ۲۰۱۴.
- مصاحبه سلیمه عذاوری با واسینی الأعرج با عنوان: «بیته الأندلسی» ویبوح بشیء من سر، روزنامه الدستور، جمعه ۱۵ اکتبر ۲۰۱۰، <http://www.addustour.com> ۱۵۹۰۸/
- فاتنه الغرة، «سوناتا لأشباح القدس» وفصول النکبة، الجزيرة، ۲۴ می ۲۰۱۲، <http://www.aljazeera.net/news/cultureandart> ۲۴/۵/۲۰۱۲/

اصلی رمان برای دخترش که برای ادامه تحصیل به لندن سفر کرده است. زنی از نسل دوم مهاجران فلسطینی که بی‌وطنی را از پدران خود به ارث برده و با از دست‌دادن‌ها و آوارگی‌های مکرر هرگونه احساس امنیت را از دست‌رفته می‌بیند. زنی که احساس امنیت ناشی از داشتن حتی «اتاقی از آن خود» برای او زودگذر و ناپایدار است و تمامی مردان زندگی‌اش (پدر، برادر، معشوق و همسر) که برگی از زندگی پرمخاطره او را ورق می‌زنند، به نوعی آوارگی و بی‌وطنی او را تجدید و تشدید می‌کنند. این روایت زنانه از آوارگی، نامه‌ای سرنگشاده به دختر نوسافر عربی است که اکنون در پی تجربه زندگی در جغرافیای دیگری خارج از جهان عرب است. دنیایی که مخاطرات آن نسبت به تجربیات مادرش به عنوان نسل پیشین، اگر بیشتر نباشد کمتر نیست.

تحت المعطف/عدنان فرزات ۲۰۱۴



تحت المعطف نوشته عدنان فرزات نویسنده مهاجر سوری، سومین رمان مورد بحث این گفتار است. نویسنده با استفاده از تجربه خود در حرفه روزنامه‌نگاری، با خلق خرده‌داستان‌های متصل به هم، به خوبی فرآیند شکل‌گیری گروه‌های تروریستی را در ذهن خواننده تبیین می‌کند. راوی داستان با دختری آشنا می‌شود که سرکوب‌ها و تحقیرهای جامعه سنتی او را ناخواسته از طریق دریای موج مهاجرت به اروپا کشانده و در روندی که به رغم باطل بودن ساختار آن، منطقی به نظر می‌رسد، در دام گروه‌هایی انداخته که به خیال خود در پی احیای تمدن از دست رفته اسلام در اروپا هستند. بی‌تردید، چنین روندی جز نابودی و مرگ شخصیت داستان سرانجامی نخواهد داشت.

شهلا العجیلی نویسنده جوان و پرکار سوری در سال ۲۰۱۵ در رمانی با عنوان سماء قریبۀ من بیتنا با از دست رفتن میراث بزرگ تاریخی سرزمین خود، گویی بر خود تکلیف دانسته که با ثبت روایت خود از کوچه پس کوچه‌های شهرش (رقه در استان حلب) که اکنون

دومین نشست تخصصی «مشروطه و زیست ایرانیان»

در تحلیل محمود، ایرانی‌ها دارای نظام کشورداری قویم و قدیمی بوده‌اند که زمینه بقای آنها را در گذشته فراهم می‌کرد اما این نظام دارای سنتی استبدادی بود که در آن شاه به عنوان مالک علی‌الاطلاق، ضمن حفظ پایه‌های حکومت خویش، امنیت و آرامش مردم که لازمه بقای جامعه بود به وجود می‌آورد. به نظر او این نظم از دوره قاجاریه با دخالت و توطئه بیگانه دچار لطمه و آسیب گردید و انگلیسی‌ها برای آن که این نظام استبدادی را که مخل حفظ منافع آنها بود فرو بپاشند، زمزمه مشروطه خواهی را در میان مردم به راه انداخته و مشروطه ایرانی به نوعی فریب بزرگ و چرخشی بود که توسط انگلیسی‌ها به خواست ایرانیان به وجود آمد. از این رو وی معتقد است «مشروطه آشی بود که در سفارت انگلستان پخته شد» و بدین جهت مشروطیت ایرانی سرنوشتی جز شکست نداشت.

محمود محمود مشروطیت ایران را مصیبت بزرگ و آزادی را آتشی می‌دانست که توسط انگلیسی‌ها به جان ملت ایران افتاد و نظم کهن ایرانی را از بین برد و بنابراین مشروطه ایرانی از نظر وی عامل بحران‌زایی بود که نتیجه آن از پیش معلوم بود. بدین سبب وی رضاخان را نیز بر طبق این نظر مخلوق سیاست انگلیس می‌دانست.

علاوه بر این وی با دید بدبینانه نسبت به اخلاق و فرهنگ ملت ایران، بر این باور بود که ملت ایران و همه ملت‌های آسیایی سرنوشتی جز استبداد نخواهند داشت و جز آن هر چیزی برای ایران ناخجسته و بحران‌زاست. محمود محمود به مانند تمامی مدافعان نظریه استبداد شرقی قائل به دو ذات جداگانه برای شرق و غرب بود و از این منظر وی بر این باور بود که نظام دموکراتیک برای ایران مفهومی نخواهد داشت.

علاوه بر این محمود معتقد بود که یکی از پیامدهای انقلاب مشروطه برای ایران، باز شدن پای اراذل و اوباش و طبقات پست و بی اخلاق (=مردم) به عرصه سیاست و حاکم شدن آنها بر سرنوشت ایرانیان پس از مشروطه است.

دکتر رحمانیان در پایان سخنان با اشاره مجدد به مفهوم و نظریه شکست مشروطه، به این موضوع اشاره کرد که طرح این نظریه از نگاه وی، بیشتر کارکرد ایدئولوژیک و سیاسی داشته است از این رو بیشتر کسانی که این مفهوم را به کار گرفته‌اند از رویکردهای علمی غافل بوده‌اند زیرا این مفهوم به نوعی سرنوشت محتوم و مقدر را در تاریخ ایران می‌پذیرد.

دومین نشست تخصصی «مشروطه و زیست ایرانیان» به مناسبت یکصد و دهمین سالگرد مشروطیت، با سخنرانی دکتر داریوش رحمانیان و دکتر علیرضا ملایی‌توانی، به همت پژوهشکده تاریخ در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

در این نشست دکتر رحمانیان در آغاز سخنان خود به این مطلب اشاره کرد که در طی سالیان اخیر در میان مورخان و پژوهشگران، تأکید بسیاری بر مفهوم شکست انقلاب مشروطه شده و در پیوند با این موضوع، نظریه توطئه مطرح گردیده است. از پیشگامان به کارگیری این مفهوم در خصوص انقلاب مشروطه و توطئه باوری در ایران محمود محمود است و از این جهت بررسی نگرش و دیدگاه‌های وی از اهمیت بسیاری برخوردار است.



وی در این زمینه واژه «مشروطه محمود» را به کار برد که عنوانی پارادوکسیکال بوده و به نوعی نقد و رد نظریه محمود راجع به انقلاب مشروطه نیز به شمار می‌رود. این عنوان نه تنها ناظر بر دیدگاه محمود درباره مشروطه است بلکه به نوعی با محمود خواندن مشروطه، رد و انکار نظر محمود محمود نیز به شمار می‌رود.

رحمانیان در بررسی این موضوع به پیشینه مشروطه‌خواهی محمود محمود و پیوند او با دموکرات‌ها و آزادی‌خواهان و همچنین فعالیت‌های قلمی او پس از دهه ۲۰ اشاره نمود. وی بر این مطلب تأکید کرد که در آثار و پژوهش‌های محمود محمود، تأکید بر نقش عامل بیگانه و بیرونی در تاریخ یا همان استعمار برجسته گردیده و از این منظر در ارتباط با تاریخ مشروطه، تناقضات بسیاری در آرای وی موجود می‌باشد.

به نظر او محمود در ابتدا جزو مشروطه خواهان به شمار می‌آمد اما مانند بسیاری دیگر، پس از مدتی در اثر حوادث رخ داده از سرنوشت مشروطه ایرانی ناامید شد و در برهه‌ای از زندگانی خویش در زمره منتقدان مشروطه قرار گرفت.



مشروطه ایران: شکست یا تداوم

دکتر ملایی توانی از دیگر سخنرانان این نشست بر «دوگانگی مفهوم شکست» تأکید کرد و از دو نوع شکست یعنی شکست موقتی و مقطعی و همچنین شکست دائمی و یا شکست تاریخی سخن به میان آورد.

به اعتقاد وی شکست موقتی ناظر بر وضعیتی است که پدیده تاریخی مورد نظر، همچنان از حیات برخوردار بوده و در برخورد با پدیده‌های تاریخی مجاور و موانعی که بر سر راه خود با آن روبرو است، دچار شکست‌های موقت می‌شود و با این شکست، ماهیت، هویت و موجودیت این پدیده از میان نرفته و اصل موجودیت آن همچنان باقی است.



نوع دیگری از شکست که از آن به شکست تاریخی تعبیر شده و معادل با واژه‌هایی چون اضمحلال و نابودی است، ناظر به پایان یافتن یک فرآیند تاریخی است، وضعیتی برگشت ناپذیر برای پدیده تاریخی که در آن نه تنها تمامی مظاهر و جلوه‌های حیات یک پدیده تاریخی از میان خواهد رفت، حتی در آینده نیز قابل احیا نخواهد بود و این پدیده امکان قدرت گفتمانی و تداوم فرهنگی و تمدنی خود را از دست خواهد داد. آرمان‌های این پدیده تاریخی رنگ باخته و زیست بوم آن دچار تغییر خواهد شد و بازیگران آن، صحنه سیاست را ترک می‌گویند.

در این وضعیت دوره جدیدی آغاز می‌شود که در این فضا هرگز بستری برای احیای آن شکل نمی‌گیرد.

از این منظر سقوط ساسانیان و سقوط نظام سلطنت در ایران در پرتو انقلاب اسلامی یک شکست تاریخی است. از سوی دیگر شکست‌هایی که هر یک از سلسله‌ها در مقاطعی از تاریخ خود با آن مواجه می‌شوند به شکست موقت تعبیر می‌شود.

در این راستا، رخدادهایی که وارد یک مرحله جدید تاریخی می‌شوند، یعنی با شکست دوره پیشین و ظهور یک دوره و تمدن جدید، یک نوع نگاه جدیدی شکل می‌دهند، می‌توان از آن به ظهور تاریخی یاد کرد که ورود اسلام به ایران و انقلاب مشروطه نمونه بارز آن به شمار می‌رود. بر این اساس انقلاب مشروطیت ایران سرآغاز تلاش برای ایجاد یک دوره تمدنی و افق جدید تاریخی است.

ملایی توانی در ادامه به این مطلب اشاره نمود که در تمامی اسناد و آثار موجود در دوره پهلوی چون آثار سعید نفیسی، احمد بنی‌احمد و ...، هدف تقویت این تفکر است که کودتای ۱۲۹۹ و تغییر سلطنت در ایران از قاجار به پهلوی، سرآغاز تاریخ معاصر و دوره جدید تاریخ ایران است.

این استاد تاریخ معتقد است که بسیاری از مورخان به دلیل نوسازی‌های گسترده در دوره پهلوی، این دوره را سرآغاز دوره تمدنی و افق سیاسی جدید تاریخ ایران می‌دانند این در حالی است که این روند از دوره عباس میرزا آغاز و در طی دوره‌های مختلف تداوم یافت. این نوع اصلاحات ماهیت ارتباطی با نظام دیکتاتوری و یا دموکراسی نداشته و بسیاری از آنچه در دوره رضاشاه تحقق یافته است به نوعی آرمان مشروطه خواهان نیز به شمار می‌آید. از این رو حکومت پهلوی هرگز نمی‌تواند افق جدیدی برای ایرانیان ترسیم کرده باشد و نهایت عملکرد این رژیم منتهی به ایدئولوژی پهلوی یا احیای سلطنت است.

اهمیت مشروطه به دلیل نوع سازماندهی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نوینی بود که قصد داشت معنای جدیدی از ایرانی‌ت ارائه داده، ایران مداری را جایگزین بحران‌ها نموده و هویت ایرانی را بازتعریف نماید.

دکتر ملایی در پایان بر این مطلب تأکید کرد که در پاسخ به این سؤال که آیا مشروطه در ایران دچار شکست شد؟ می‌توان گفت، که اگر آن را شکست یا ناکامی موقت و محدود بنامیم که در عرصه سیاست رخ داد می‌توان به آن اعتقاد داشت بدین سبب باید نوع نگاه به مشروطیت در ایران تغییر یابد زیرا مشروطیت فراتر از یک نظم سیاسی مقید در چارچوب مشروطه سلطنتی است.



بررسی «وضعیت اجتماعی و سیاسی در مناطق کردنشین و نسبت آن با امنیت اجتماعی»

کردهای سکولار (حزب دموکرات، کومله، پژاک) و کردهای مذهبی (سلفیون، اخوانی‌ها و اهل حق) تقسیم کرد. در ادامه، ایشان با بیان اینکه تهدیدات امنیت اجتماعی در این مناطق، خود ناشی از برخی نارسایی‌ها در امر سیاستگذاری بوده است به ارائه راهکارهایی به منظور اعتمادسازی متقابل بیشتر میان اقلیت‌ها و نظام سیاسی و مدیریت تهدیدات مذکور پرداخت. بنابر نظر ایشان اعتمادسازی مذکور را می‌توان در راهکارهایی جستجو کرد که همزمان باید از سوی کردها و دولت پیگیری شوند. برخی از مهمترین گام‌های اعتمادساز برای کردها عبارت است از: رقابت مدنی برای تصاحب مسئولیت‌های قانونی، استقلال در پیگیری خواسته‌های محلی-ملی و عدم وابستگی به هیچ یک از جریان‌های گریز از مرکز، استقلال رهبران از مداخله‌گران خارجی و عدم ارتباط پنهانی با دشمنان ایران و کنار گذاشتن اسلحه و رویکرد نظامی‌گری و تأکید بر فعالیت‌های مدنی در چهارچوب قانون اساسی. از دیگر سو مهمترین اقدامات اعتمادساز که باید از سوی نظام سیاسی صورت گیرند عبارتند از: انتخاب مسئولین و نیروهای بومی در کردستان، تلاش جهت رفع محرومیت‌های نسبی اقتصادی در کردستان، عدم برخورد خشن فیزیکی از سوی مرکز و مدارای بیشتر با نیروهای محلی و همچنین عدم فرقه‌گرایی و تأکید بر اسلام به‌عنوان دین واحد.

در پایان این نشست، حضار دیدگاه‌های خود را پیرامون مسائل و معضلات موجود و چگونگی برخورد و رویارویی با مسائل مد نظر مطرح نمودند؛ از جمله دکتر قدیر نصری با اشاره به تحقیق پیمایشی و میدانی که اخیراً از سوی ایشان در مناطق کردنشین صورت گرفته، دو عامل را مهمترین عوامل نارضایتی در این مناطق برشمرده و از آنها به‌عنوان پیش‌رانه‌های عمده نام بردند. این عوامل به‌ترتیب عبارت است از: فقر فزاینده و احساس توهین مذهبی. فقر فزاینده به‌معنای فقر در حال حاضر و انتظار فقر بیشتر در آینده پیش رو است. احساس توهین مذهبی نیز شامل نارضایتی از توهین به ارزش‌های مذاهب اهل تسنن است. آرمان سلیمی نیز این ادعا را که در دوران صفویه شکاف عمده میان کردها و حکومت مرکزی ناشی از تفاوت‌های مذهبی بوده است را رد کردند و مهمترین عامل شکاف در میان کردها و دولت‌های مرکزی را به شکاف هویتی و زبانی معطوف دانستند. در ادامه دکتر فیاضی، نماینده دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی، ضمن قدردانی از

به همت گروه پژوهشی جامعه و امنیت پژوهشگاه علوم انسانی، جلسه مطالعات راهبردی امنیت اجتماعی با عنوان «چالش‌های قومی-مذهبی در ایران؛ دلایل، ریشه‌ها و راهجویی برای برون‌رفت (مطالعه موردی مناطق کردنشین غرب ایران)» با سخنرانی دکتر راضیه حسنی برگزار شد. در این جلسه که با حضور دکتر محمد علی مینایی، مدیر گروه پژوهشی جامعه و امنیت، دکتر قدیر نصری، دبیر نشست مطالعات راهبردی امنیت اجتماعی و اعضای اصلی این نشست برگزار گردید، دکتر راضیه حسنی به بررسی وضعیت اجتماعی و سیاسی در مناطق کردنشین پرداخت و نسبت آن با امنیت اجتماعی را مورد توجه قرار داد. ایشان وجود شکاف‌های متراکم را مهمترین عامل تهدیدزا در این زمینه ارزیابی کرد. که برخی از مهمترین این شکاف‌ها عبارتند از:

شکاف فرهنگی: که خود ناشی از اختلاف مذهبی و تفاوت‌های هویت شیعی و سنی است.
شکاف اقتصادی: که ناظر بر عدم توازن در انباشت ثروت میان مرکز کشور و پیرامون است.
سطح توسعه استانی: استان‌های کردنشین معمولاً در پایین‌ترین رده‌های توسعه استانی در دهه‌های اخیر قرار داشته‌اند و همچنین سطح توسعه انسانی پایین‌تری را تجربه کرده‌اند.



وی همچنین با اشاره به وجود نارسایی‌هایی همچون معضل بیکاری، (که استان‌های کردنشین معمولاً با سطح بالایی از بیکاری رو به رو بوده‌اند) و شکاف نخبگان (معمولاً نخبگان قومی و ملی در مقاطع مختلف تضاد منافع داشته‌اند) گفت: این نارسایی‌ها موجب شده است تا در مناطق کردنشین همواره نیروهای مرکز‌گرای در صفحه شطرنج سیاست حضوری فعال داشته باشند. این نیروهای گریز از مرکز را می‌توان در یک تقسیم‌بندی به دو گروه

معرفی کتاب:

«تصویرپردازی هنری در قرآن»

با تکیه بر سوره‌های دهر، مدثر، ق، مرسلات، مطففین

کتاب «تصویرپردازی هنری در قرآن» با تکیه بر سوره‌های دهر، مدثر، ق، مرسلات، مطففین در قالب شش بخش تنظیم شده است، نگارنده در بخش اول کتاب به تبیین مفاهیم و تعاریف مربوط به تصویر و تصویرپردازی و به طور خاص به تصویرپردازی هنری از دیدگاه سید قطب می‌پردازد، و در پنج بخش بعدی پنج سوره از قرآن کریم (دهر، مدثر، ق، مرسلات و مطففین) را براساس نظریه سید قطب در باب تصویرپردازی هنری، بررسی می‌نماید. در این اثر عناصر اصلی تصویرپردازی، یعنی تخیل حسی، تجسیم، تشخیص، هماهنگی هنری، تقابل، و همچنین عناصر فرعی تصویرپردازی هنری یعنی توصیف، حرکت، رنگ، گفت‌وگو در سوره‌های منتخب مورد بررسی قرار می‌گیرند تا از این رهگذر، زیبایی‌های هنری این سوره‌ها بیش از پیش نمایان و آشکار شود و به‌عنوان الگویی برای کاربرد روشمند نظریه سید قطب در بررسی سوره‌های قرآنی در اختیار قرآن‌پژوهان قرار گیرد.



مطرح‌شدن دیدگاه‌های انتقادی و علمی در زمینه‌های مختلف سیاست‌گذاری، تصور وجود نارضایتی و بی‌اعتمادی در استان‌های کردنشین را ناشی از رویکرد کلی‌گویانه و ابهام‌آمیز دانسته و خواستار تدقیق در مباحث شدند. در پایان دکتر محمد علی مینایی، مدیر گروه پژوهشی جامعه و امنیت و مدیر برگزاری نشست‌های مطالعات راهبردی، ضمن اشاره به اهمیت موضوع مطرح‌شده، خواستار ارائه راهبردهای مبتنی بر تحقیق پژوهشی دقیق به‌منظور سیاست‌سازی و سیاست‌گذاری جاری کشور شده و بر جنبه راهبردی و کاربردی مباحث مطروحه به موازات جنبه‌های نظری آنها تأکید کرد.



نشست «تأملاتی بر حادثه نیس فرانسه»

مدیریت همکاری‌های علمی و بین‌المللی پژوهشکده مطالعات اجتماعی، نشست «تأملاتی بر حادثه نیس فرانسه» را با سخنرانی دکتر بیژن عبدالکریمی برگزار کرد.

در این نشست دکتر بیژن عبدالکریمی در ابتدای سخنان خود با اشاره به اینکه حوادثی مانند نیس را نباید منقطع از حوادث دیگر مانند بمبگذاری‌های اخیر فرانسه و دیگر نقاط جهان دانست، گفت: اینگونه حرکات به هیچ وجه بی‌ارتباط با هم نیستند، اما سؤال اینجاست که در جهان چه اتفاقی دارد می‌افتد، این حوادث را چگونه باید فهم کرد؟ وقتی به جنایت نیس توجه می‌کنیم و تنوع کشته‌شدگان را می‌بینیم این سؤال پیش می‌آید که چه عواملی به این مسأله دامن می‌زنند.



وی گفت: آیا صرف محکومیت اخلاقی تنها موضع‌گیری است که ما می‌توانیم داشته باشیم، یا اینکه اینگونه حرکات پیام‌ها و پیامدهایی دارد؟ تفکر آنجایی آغاز می‌شود که به فراتر از فهم متعارف برود. معمولاً فهم متعارف یک نوع گمراهی ایجاد می‌کند که ما فکر می‌کنیم مسأله را فهمیده‌ایم و در واقع آن را ساده‌سازی کرده‌ایم. معلوم است که این کارها، کار یکی از اسلام‌گرایان بوده است و اگر تنها به این بسنده کنیم در واقع این یک نوع ساده‌سازی پدیده است.

عبدالکریمی در ادامه با بیان تحلیل‌های موجود از این حادثه افزود: آنجا که ما به فضای عمومی تن می‌دهیم، پدیده‌ها را از دست داده‌ایم و نتوانسته‌ایم آنها

را فهم کنیم. تحلیلی دیگر می‌گفت که محمد بوهلال در حالت مستی دست به این اقدام زده است. همانطور که گفتم این ساده‌سازی قضیه است. چرا که مستی در همه قرون گذشته وجود داشته و هیچ کس با مستی اینگونه جنایتی نمی‌کرده، برخی دیگر گفته‌اند این یک واکنش روانی و روانشناسانه است.

این استاد دانشگاه در ادامه گفت: زمانی که این حوادث در سطح جامعه رخ می‌دهد، بحث جامعه‌شناسانه پیش می‌آید اما زمانی که فراتر از جامعه و در سطح جهانی مطرح می‌شود دیگر آنها نه جامعه‌شناسانه و نه روانشناسانه بلکه یک مسأله تمدنی و جهانی است و باید به شیوه دیگری به آن نگریست.

عبدالکریمی تأکید کرد: در تحلیل‌ها گفته می‌شود که میل به بهشت و دنیای آخرت و اعتقادات اسلامی منجر به اینگونه حوادث شده است، اما وقتی راجع به این پدیده فکر می‌کنیم به این سؤال می‌رسیم که چرا در طول تاریخ اسلام اینگونه جنایت‌ها رخ نمی‌داده است؟ منظورم این نیست که در طول تاریخ قتل و جنایت صورت نگرفته اما به این معنی است که به شیوه کنونی رخ نمی‌داده است.

وی ادامه داد: چرا در مواجهه مسلمانان با کفار در صدر اسلام و در تاریخ این چنین مواردی وجود نداشت؟ چرا بسیاری از مسلمانان این حرکت را محکوم کردند؟ چرا بیشتر قربانیان این حرکت کور خود مسلمانان بودند؟ از زمان پدیداری داعش، بیشترین کشته شدگان از مسلمانان بوده است. این نشان می‌دهد نمی‌توان گفت ریشه این جنایت‌ها در خود اسلام است و حتی خیلی از مبارزان داعش غیرمسلمان و پیرو ادیان دیگر هستند.

عبدالکریمی افزود: برخی اینگونه تحلیل می‌کنند و می‌گویند این اسلام است که

این وضعیت را به وجود می‌آورد؛ این تحلیل قابل فهم است که یک جوان از شرایط موجود ناراضی بوده و اینگونه تحلیل را بیان کند اما ما را به تحلیل درستی نمی‌رساند.

وی در ادامه گفت: برخی تحلیل‌ها می‌گویند که این پدیده کار تروریست‌هاست در حالی که تروریسم به معنای این است که یک نیروی سیاسی برای بهره‌گیری سیاسی و استفاده از قدرت و دستیابی به آن از خشونت استفاده می‌کند. من اعتقادی به این ندارم که این فرد چهره سیاسی داشته و یا تروریست باشد. ممکن است برخی جریان‌های سیاسی مانند راست‌گرایان از آن استفاده سیاسی کنند و علیه مهاجرت به اروپا از آن استفاده کنند اما به نظر من این فرد سیاسی نیست.

این استاد دانشگاه گفت: در این جهان رسانه‌ای و انسان رسانه‌ای، زیست انسان و فهم آن تحت تأثیر رسانه است و تروریسم هم گفتمان رسانه‌ای است و به تعبیر من یک فضای پوپولیستی است. کار متفکر و روشنفکر مبارزه با ساده‌سازی و عوامیت است. به نظر می‌رسد که این پدیده پیچیده تر از آن است که با این تحلیل‌ها بتوان آن را فهم کرد.

وی افزود: من برای فهم این پدیده از اصطلاح بحران در ذات فرهنگ استفاده می‌کنم. منظورم این نیست که بعضی از این فرهنگ‌ها دارای بحران هستند بلکه ذات فرهنگ دارای بحران است. فرهنگ مدرن در ذات خودش یک بحران فرهنگی دارد. ما در روزگاری زندگی می‌کنیم که با مرگ فرهنگ مواجهیم. در روزگار ما فرهنگی که خواهان رشد و تعالی انسان است، مرده است لذا فرهنگ مدرن ذاتاً به دور از تعالی و رشد برای انسان است.

عبدالکریمی در ادامه تشریح کرد: انسان گذشته یک سنت، فرهنگ و میراث



تاریخی، فرهنگی داشت و انسان در آن ساخته می‌شد. فرهنگ شرط نحوه تحقق انسان است با ظهور مدرنیته رابطه انسان با میراث تاریخی خودش قطع شد. با ظهور فرهنگ مدرن و انقطاع انسان از سنت و میراث تاریخی خود فرهنگ مدرن ظهور پیدا کرد که مختصات و ویژگی‌هایی دارد که با تمام فرهنگ‌های گذشته بی‌ارتباط است. در این فرهنگ انسان بی‌خانمان است و چهره وحشتناکی از آن ظهور می‌کند.

وی در ادامه گفت: من در چهره محمد بوهلال، مرگ انسان را می‌بینم؛ گویی ذات انسان در خطر است. فرهنگ جدید شکل خاصی از عقلانیت ابزاری است که گویی جهان منبعی برای بهره برداری از انسان است. انسان امروز یک انسان مصرف‌گراست و دارای هیچ آرمانی که انسان در تحول درونی خود جستجو کند، نیست. این جهان، جهانی خالی از معناست. وقتی جهان تهی از معنا شد، انسان نیز تهی و بی درون مایه می‌شود و این انسان هیچ تعهدی به طبیعت و دیگری ندارد.

عبدالکریمی افزود: حال تصور کنید که در جامعه اروپایی انسان‌های مهاجری داریم که هیچ وابسته فرهنگی به آن جامعه ندارند و درون خودشان عقده‌های فراوان هم دارند و همچنین دارای هیچ فرهنگ گذشته‌ای هم نیستند و تعلق خاطری به فرهنگ گذشته خود ندارند. مهاجرین امروزی نه در مأوای سنت تونس، آفریقایی و... زندگی می‌کنند و نه در مأوای عقل مدرن کانتی، دکارتی و... زیست می‌کنند و هیچ کدام از آنها در آن پدیدار نمی‌شود. گویی انسان امروز در جایی نامعلوم به زمین پرتاب شده که نه آغاز و مأوای آن معلوم است و نه پایان و انجام آن.

استاد فلسفه دانشگاه آزاد اسلامی با تأکید بر اینکه این انسان را دیگر نمی‌توان انسان نامید گفت: این انسان، شبه انسان است. این انسان وقتی می‌خواهد مناسبات خودش را با دیگران معلوم کند، از چنین خشونت‌هایی استفاده می‌کند و دلیل آن این است

که به جایی تعلق ندارد. امروز نوعی بی میلی در اکثریت بشر به فعالیت‌های فرهنگی وجود دارد. باید گفت انسان امروز بی‌آینده شده است یعنی انسان امروز هم از گذشته خودش بریده شده و هم اینکه اتوپیایی ندارد. در گذشته مذهب می‌گفت چگونه باید زندگی کند و یا در قرون ۱۸ و ۱۹ ایدئولوژی‌های آن زمان می‌گفتند که چگونه با نابسامانی‌ها برخورد کند. اما در روزگار پسامدرن، مذهب به واسطه عقل روشنگری به زیر سوال رفت و ایمان مسیحی متزلزل شد و ایدئولوژی‌ها آمدند، در قرن ۱۹ بشر آرمان‌هایی داشت، اما بشر روزگار مدرن نه به مذهب و نه به ایدئولوژی‌های گذشته اعتقادی دارد.

وی افزود: جهان ما به دلیل عدم ارزش‌های متعالی به جهانی زجرآور تبدیل شده است، ریشه تدریجی‌هایی همچون بمب گذاری‌ها را باید در اینگونه مسائل جستجو کرد. به نظر من جهان برای محمد بوهلال زجرآور شده است، چرا که او فاقد هر گونه نظام ارزشی است. باید گفت در هیچ دوره‌ای همچون امروز بشر بدون آینده نبوده است، لذا افق برای او بسیار تنگ است و این افق تنگ گاهی عرصه را چنان برای او غیرقابل تحمل می‌کند که دست به جنایت‌های این چنینی می‌زند.



عبدالکریمی گفت: در جهان کنونی مرجعیتی برای ارزش‌ها وجود ندارد و هر گونه سلسله مراتب ارزشی از بین رفته و همه هم سطح شده‌اند. در چنین شرایطی است که هیچ گونه مرجعی برای ارزش‌ها نداریم. انسان بی‌آینده و بی‌اتوپیا، بی‌معناست و تنها مصرف‌گرایی مساله اوست. اگر این مصرف‌گرایی ارضا نشود، توده‌ها طغیان می‌کنند که امروز می‌بینیم به یک نقطه بحرانی

رسیده است. مدرنیته به دلیل بی‌بنیاد بودن ارزش در آن نتوانسته است، هیچ جایگزینی برای انسان گذشته و ارزش‌های آن بیابد. فرهنگ دوره جدید مبتنی بر لذت است و معتمد تفاوت ذاتی با فرهنگ قدیم دارد.

وی افزود: حادثه نیس را نمی‌توان با مسائل سیاسی و نظامی حل کرد و این پدیده قابل تقلیل دادن به مسأله سیاسی نیست چرا که تقلیل دادن مسأله تمدنی به یک مسأله سیاسی در واقع نفهمیدن آن مساله است. این مسائل ریشه در بی‌معنی بودن جهان کنونی دارد که یک ریشه آن به این برمی‌گردد که در جهان امروزی معانی متافیزیکی از بین رفته است. در واقع جهانی کنونی جهان بی‌متافیزیک شده است. بشر در گذشته با اتکا به متافیزیک برای خودش یک نوع امنیت ایجاد می‌کرد. به اعتبار دیگر همه پایگاه‌های تئولوژیک و متافیزیک در دنیای کنونی از بین رفته است و بشر بی‌معنی شده است در صورتی که در دنیای گذشته متافیزیک و تئولوژی به زندگی بشر معنا می‌بخشید.

عبدالکریمی در ادامه گفت: بی متافیزیک شدن جهان کنونی شرایطی است که می‌توان در آن محمد بوهلال را فهم کرد. در واقع با فروپاشی نظام‌های متافیزیکی بشر امنیت خودش را از دست داد، به تعبیر نیچه در جهانی که جهان مرگ خداست، حقیقت از دست می‌رود. با ظهور دنیای مدرن، بی بنیاد شدن اخلاق را نیز به دنبال داریم. بشر همواره برای زیست اخلاقی، توجیه داشت که متکی بر متافیزیک یا تئولوژی بود اما در دوران مدرن که متافیزیک از بین رفت پایه‌های اخلاق متزلزل شد و بشر امروز می‌گوید چرا باید اخلاقی زندگی کند؟

وی در پایان یادآور شد: مرگ خدا در دنیای مدرن به معنای مرگ مطلق است و مرگ مطلق به معنای مرگ اخلاق و مرگ اخلاق به معنای مرگ انسان است. من از حوادث نیس، مرگ انسان را می‌بینم. آنچه که امروز در روی کره زمین راه می‌رود کمتر انسان است.

گزارش نشست «مطالعات راهبردی شاخص سازی» با موضوع «مروری بر وضعیت سواد و تحصیلات در ارتباط با امنیت اجتماعی در ایران»

گروه پژوهشی جامعه و امنیت، نشست مطالعات راهبردی شاخص سازی با موضوع «مروری بر وضعیت سواد و تحصیلات در ارتباط با امنیت اجتماعی در ایران» با سخنرانی دکتر علیرضا زاهدیان، در تاریخ سه شنبه ۱۹ مرداد برگزار کرد.

در این نشست که در سالن اندیشه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار گردید، ابتدا دکتر محمدعلی مینایی، دبیر نشست مطالعات راهبردی شاخص سازی، مقدمه ای را با هدف تبیین رویکرد اجتماعی گروه پژوهشی جامعه و امنیت نسبت به مقولات امنیتی بیان نمود و مقوله امنیت را دارای سه سطح دانست، یک سطح از امنیت به صورت منفعل تامین می شود. یعنی آسیب و ناامنی در جامعه وارد شده و ایجاد می شود و نظام اجتماعی، سیاسی منفعلانه در جهت رفع آن اقدام می کند. مانند کشف جرائم و مجازات مجرمین که عمدتاً دستگاه های پلیس، اطلاعات و قضایی مسئول کنترل این ناامنی ها و تأمین امنیت هستند. سطح دیگری از امنیت هم وجود دارد که به صورت پیشگیری تأمین می شود. یعنی قبل از بروز ناامنی، نظام اجتماعی و سیاسی، به صورت فعال وارد می شود و مانع از ایجاد مؤلفه های ناامنی می گردد. در حقیقت از وقوع ناامنی ها پیشگیری می شود لیکن ریشه های ناامنی وجود دارد، تنها مانع از شکل گیری و بروز آن می شود. پیشگیری از وقوع جرم و اعمال مکانیزم های بازدارنده، نمونه هایی از این نوع تأمین امنیت است. سطحی دیگر از امنیت هم هست که به صورت فرافعال تأمین می شود. یعنی از حالت امنیت سلبی خارج و امنیت از نوع ایجابی آن تولید می شود. آقای مینایی در ادامه وضعیت سواد و تحصیلات را به مثابه مقوله ای در سطح سوم امنیت برشمرده و خاطر نشان کردند نباید با نگاهی سلبی به مقوله سواد و تحصیلات نگرسته و هرگاه بی سوادی به سطح خاصی رسید وارد عمل شد بلکه باید با رویکردی ایجابی افزایش و تعمیق سطح سواد و تحصیلات را عنصری در راستای تقویت بنیادهای اجتماعی امنیت برشمرد.

در ادامه دکتر زاهدیان با بیان اینکه امنیت اجتماعی عبارت است از اطمینان خاطر افراد و گروه های اجتماعی مختلف نسبت به حفظ موجودیت، هویت و ارزش های خود در برابر مخاطرات ناشی از تحولات

عادی و تحرکات عمدی، مقوله سواد و تحصیلات را دارای رابطه ای مستقیم با مقولات زیر دانستند که تحول و تغییر آنها به انحاء مختلف بر چگونگی و کیفیت امنیت اجتماعی مؤثر خواهد بود:

۱- افزایش بهره وری ۲- دستیابی به روشها و ابزار نوین ۳- افزایش سرمایه اجتماعی ۴- مشارکت در مدیریت جامعه ۵- افزایش تعالی فردی و اجتماعی ۶- افزایش سطح رفاه ۷- افزایش توان تکنولوژیک کشور ۸- کاهش نرخ باروری ۹- افزایش سطح مطالبات عمومی ۱۰- افزایش طلاق.

در ادامه ایشان تأثیرات کلیدی سواد از دیدگاه امنیت اجتماعی را بر کاهش جرم و جنایت، کاهش اعتیاد، کاهش تاثیرپذیری از بیگانگان و کاهش تاثیر پذیری از خرافات مؤثر دانسته و همچنین افزایش توان تکنولوژیک کشور، افزایش سطح رفاه خانوارها و افزایش سطح مطالبات عمومی را از امهات محاصل و محاسن تحصیلات دانستند و کاهش بیسوادان ده تا چهل و نه ساله، کاهش افراد بازمانده از تحصیل کمتر از ده سال، افزایش نسبت دانش آموختگان دانشگاهی به کل جمعیت، افزایش نیروی انسانی متخصص متناسب با نیازهای بازار کار و همچنین افزایش مادران تحصیل کرده (خانه داری نوین) را از زمره اهداف اصلی طرح گسترش سواد و تحصیلات در کشور دانستند.

در آخر دکتر زاهدیان نماگرهای پیشنهادی از دیدگاه امنیت اجتماعی را معرفی نموده و در این راستا از نماگرهایی مانند نرخ بی سوادی جمعیت ۷ تا ۱۰ ساله، نسبت نرخ بی سوادی استانها به متوسط نرخ بی سوادی کل کشور، نسبت جمعیت دانش آموخته دانشگاهی به جمعیت ۲۰ ساله و بیشتر و همچنین نماگر نرخ بیکاری دانش آموختگان دانشگاهی به تفکیک زن و مرد یاد کرد. وی مراحل تعیین نماگرهای پیشنهادی از دیدگاه امنیت اجتماعی را به تفکیک برشمرد. این مراحل شش گانه از این قرار می باشند: ۱. تعیین محورهای اصلی تأثیرگذار بر امنیت اجتماعی ۲. تعیین زیر محورهای هر محور ۳. تعیین اهداف مربوط به هر زیر محور ۴. تعیین ضریب اهمیت و اولویت بندی اهداف ۵. تعیین نماگرهای مربوط به هر هدف. ۶. تعیین شاخص های ترکیبی و در نهایت مرحله آخر و ششم برآیند این مراحل شش گانه است.

نقد و بررسی دیدگاه‌های عابدالجابری

در نشست تخصصی «گونه‌شناسی مطالعات قرآنی در جهان معاصر»

۲. انقلابی‌ها و قائلان به بازگشت به سنت و میراث اسلامی (سلفی‌گرایان) مانند؛ محمد رشید رضا، حسن البنا و سید قطب.

۳. معتقدان به اصلاح و ناقدان سنت و میراث اسلامی مانند سعد زغلول، احمد امین، طه حسین، شیخ احمد صبحی منصور.

پارسا تصریح کرد: جریان‌های جدید از جمله محمد اركون، نصر حامد ابوزید و عابد الجابری (۱۹۳۶-۲۰۱۰) را باید از نسل شاگردان، احمد امین و طه حسین تلقی کرد که در صدد نقد رویکردهای سنت‌گرایان و تلفیق سنت و مدرنیسم هستند و در این جلسه به بررسی عقاید جابری توسط دکتر آرمین خواهیم پرداخت.

تأثیر فعالیت سیاسی بر اندیشه محمد عابد جابری
دکتر آرمین با بیان اینکه نمی‌توان به همه آثار الجابری در این زمان محدود پرداخت، گفت: جابری در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ حرف اول را در جهان می‌زد. وی آراء بحث‌انگیزی دارد. قرآن در بخش مؤخر آثار او مورد توجه قرار گرفته است و فهم آرای جابری در خصوص قرآن که بسیار گسترده است، نیازمند آگاهی از عقاید او در خصوص میراث و سنت است. آرمین گفت: جابری از منظر عقل عربی به مدرنیته می‌پردازد و تلاش می‌کند به بحران شکست جهان عرب از اسرائیل پاسخ دهد زیرا این شکست به یک فروپاشی هویتی در جهان عرب منجر شده بود.

جابری در مقدمه کتاب المدخل الى القرآن که با عنوان «رهیافتی به قرآن» ترجمه شده است، انگیزه خود را از پرداختن به علوم قرآنی توضیح می‌دهد. وی قرآن را بخشی از سنت جهان عرب می‌داند و از جهت نقد میراث به قرآن می‌پردازد.

جابری و میراث

آرمین با بیان اینکه ابن‌خلدون به نوعی الگوی جابری بوده است، سابقه سیاسی زندگی جابری را در پیدایی اندیشه‌های او تأثیر گذار می‌داند. وی همچنین گفت: سنت برای جابری امری نیست که باید از آن گذشت، او سنت را محصول تلاش گذشتگان می‌داند که البته دارای ظرفیت‌های قابل نقدی هست و بر رویهم جابری در صدد نقد معرفت‌شناسانه میراث است.

نشست تخصصی «نقد و بررسی دیدگاه‌های عابدالجابری» از سلسله برنامه‌های گونه‌شناسی مطالعات قرآنی در جهان معاصر، به همت پژوهشکده مطالعات قرآنی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و با همکاری انجمن ایرانی مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، با حضور دکتر فروغ پارسا، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و دکتر محسن آرمین، قرآن‌پژوه و مترجم کتاب «رهیافتی به قرآن» جابری برگزار شد.

در آغاز نشست دکتر فروغ پارسا عنوان کرد که منظور از دوران معاصر در این جستار، عصر پسا تحول یعنی اواخر سده ۱۳ قمری (۱۹ میلادی) است که سید جمال‌الدین اسدآبادی (۱۸۳۸-۱۸۹۷) (۱۲۵۴-۱۳۱۴) حرکت احیای دینی و تحول در تفکر قرآنی را پایه‌گذاری کرد. به اعتقاد وی گفتمان اسدآبادی در عصری‌سازی فهم و تفسیر قرآن از سویی انگیزه مبارزات استقلال طلبانه مسلمانان را فراهم نمود و از سوی دیگر منجر به پیدایی رویکردهای جدیدی از جمله رویکرد اجتماعی، رویکرد انسان‌شناسانه، رویکرد علمی، عقلی، ادبی و تاریخی در مطالعات قرآنی شد. شاگردان سید در ایران، عثمانی و جهان عرب فعالیت داشتند ولی بیش از همه محمد عبده (۱۸۴۸ - ۱۹۰۵) در مصر، اندیشه‌های سید در مسیر تجدید و نوسازی دینی را دنبال کرد. عبدالرحمن کواکبی (۱۹۰۲ - ۱۸۴۸) در حلب سوریه، عبد الحمیدبن بادیس (۱۸۸۹-۱۹۴۰) در الجزائر در شمار دیگر شاگردان سید در جهان عرب بودند. شاگردان مستقیم و غیرمستقیم عبده در جهان عرب موفق شدند گفتمان سید را به پارادایم غالب در مطالعات قرآنی تبدیل کنند چنان که «طنطاوی جوهری» مصری (۱۸۷۰ - ۱۹۴۰م) «الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم» و عبدالرزاق نوفل (۱۹۱۷-۱۹۸۴) الاعجاز العددی للقرآن الکریم؛ الاسلام والعلم الحديث؛ را با رویکرد علمی نگاشتند. امین خولی و عایشه بنت‌الرحمن رویکرد ادبی و زبانی را در تفسیر به‌کار گرفتند و محمد عزه دروزه فلسطینی (۱۹۸۴-۱۸۷۷) تفسیر الحديث را با رویکرد تاریخی نوشته است. به اعتقاد پارسا، می‌توان شاگردان عبده را در سه دسته طبقه‌بندی کرد:

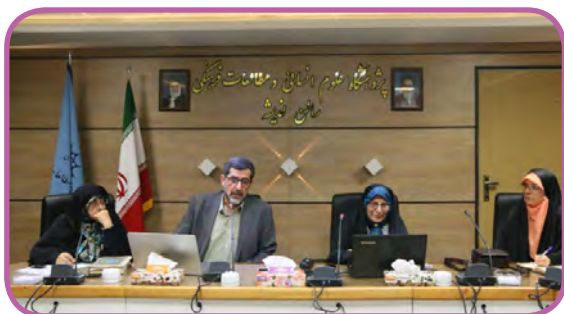
۱. افرادی که به اصلاح و نوسازی سنت و میراث اسلامی اعتقاد داشتند مانند؛ عبدالعادر مغربی، مصطفی عبدالرازق، مصطفی المرافی و شیخ محمود شلتوت.

شناخت. ابوزید هم چنین نظری داشت و نظرات زبانی جدید را مورد استفاده قرار داده بود.

دکتر آرمین تصریح کرد: هرچند ابوزید قرآن را کاری فرهنگی می‌داند اما جابری آن را امری الهی می‌داند که با زبان مخاطب عصر نزول سخن گفته است. جابری معتقد است زبان پدیده‌ای فرهنگی است و نه ابزاری برای ارتباط؛ از دیدگاه او زبان بازتاب‌آپیسته و نوع نگاه یک قوم است. از این رو وقتی قرآن می‌گوید با زبان قوم سخن گفته است، زبان فقط واژه‌ها نیست و قرآن براساس معهود ذهن مخاطب عرب سخن گفته و ما آن را باید در این چارچوب معنا کنیم و بر اساس توانایی ذهنی مخاطبان آن را بفهمیم.

وی در ادامه افزود: جابری از علم هرمنوتیک هرش استفاده می‌کند که به معنای متن معتقد است. دینداران نمی‌توانند به هرمنوتیک گادامری معتقد باشند، زیرا معتقدند قرآن مقاصدی الهی داشته است و هرمنوتیک گادامری به مرگ مولف می‌انجامد. هرش در ادامه شلایرماخر معتقد بود متن دارای یک معنای مشخص است و ما باید به آن برسیم.

این قرآن پژوه همچنین اشاره کرد: جابری معتقد بود که قرآن دو معنای معاصر با خود و معاصر با ما دارد که در معاصریت اولی باید در سطح مخاطبان عصر نزول فهمیده شود و در معنای دومی به کار گرفته شود. جابری در فهم قرآن شدیداً با ایده‌های عرفانی، هرمسی و یونانی مخالفت دارد. نکته آخر روشی که جابری برای تفسیر قرآن ارایه می‌دهد مبتنی بر فرض قرآن به مثابه مصحف و به مثابه پاره‌های وحی است. وی قرآن را یکسره تاریخ‌مند نمی‌داند و از این حیث قرآن ماهیتی مرکب دارد، که برخی آیات فرازمانی هستند مثل آیات اخلاقی و اعتقادی و برخی آیات قرآن ناظر بر مسائل تاریخی هستند.



جابری به این نتیجه می‌رسد که تاریخ غرب فرآیندی طبیعی است که از قرن ۱۲ میلادی طی شده تا به مدرنیته برسد، اما تاریخ ما فرآیندی طبیعی را طی نکرده و استعمار موجب اختلال در آن شده است و به همین دلیل جوامع اسلامی نتوانسته‌اند به مدرنیته‌ای بومی برسند. روشنفکران جهان اسلام یا با سنت آشنایی ندارند یا با مدرنیته غربی ناآشنا هستند و هیچکدام نمی‌توانند پاسخ مناسبی بدهند و برای رسیدن به مدرنیته‌ای متناسب با سنت، هم باید غرب را بشناسیم و هم با سنت و میراث اسلامی آشنا باشیم که با نقد آن ظرفیت‌های درونی‌اش را بارور کنیم و به مدرنیته بومی برسیم.

آراء قرآنی جابری

آرمین در ادامه گفت: جابری قرآن را بخشی از میراث نمی‌داند و می‌گوید قرآن میراث ما نیست اما حدیث، تفسیر و تاریخ که حاصل کوشش مسلمانان است جز میراث اسلامی محسوب می‌شود. ما همه را می‌توانیم نقد کنیم به جز قرآن را، زیرا آن جزوی از میراث نیست.

دکتر آرمین با بیان اینکه جابری رویکرد خاصی در نقد تفسیر دارد، گفت: اوبه میراث نگاهی تاریخی دارد و کاملاً تحت تاثیر مکتب آنال فرانسه است. تاریخ پژوهی سنتی مقید به سند است اما پایه‌گذاران مکتب آنال معتقد به دیدگاهی جدید بوده و معتقدند محدود کردن مورخ به اسناد مکتب، راه به جایی نمی‌برد و مورخ باید الگویی تحلیلی برای اسناد داشته باشد.

اصول و روش فهم قرآن از نگاه جابری

مترجم کتاب رهایی به قرآن، افزود: یکی اصول و مبانی اندیشه جابری در خصوص قرآن عبارت است از تدریجی بودن نزول قرآن که وی آن را مبنایی برای فهم قرآن عنوان می‌کند. جابری معتقد است قرآن را باید در این چارچوب فهمید و فهم قرآن زمانی میسر است که آن را در فرآیند ترتیب نزول بفهمیم.

به اعتقاد دکتر آرمین در نگاه جابری اصلاً تقسیم احادیث به صحیح و ضعیف درست نیست و حتی اختلاف روایات نباید باعث شود احادیث کنار گذاشته شوند و معتقد است اختلاف روایات به این معنی است که اتفاقی افتاده است و باید از این‌ها برای بازسازی تاریخ استفاده کرد.

این پژوهشگر قرآنی ادامه داد: رویکرد زبان‌شناسانه جابری یکی دیگر از اصول وی در فهم قرآن است. عبده معتقد است که قرآن را باید با معانی لغات در عصر نزول بفهمیم، برای این کار باید اطلاعات جامعی از عصر نزول داشته باشیم. «امین خولی» با بسط این ایده معتقد بود برای فهم قرآن باید ذوق عربی داشته باشیم و قرآن قبل از کتاب هدایت، یک شاهکار ادب عربی است که باید زبان آن را

گزارش فعالیت «پرتال جامع علوم انسانی» در سال ۱۳۹۵

پرتال جامع علوم انسانی به همت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، بیش از پنج سال است که با هدف برقراری عدالت پژوهشی راه اندازی شده است؛ این پرتال نسخه الکترونیک مقالات حوزه علوم انسانی و اسلامی را به صورت رایگان در اختیار مخاطبان قرار می‌دهد، به نحوی که هر پژوهشگر در اقصی نقاط جهان به راحتی و بدون پرداخت هزینه قادر به جستجو، مشاهده و دریافت رایگان نسخه الکترونیک مقالات فارسی همراه با دسته‌بندی موضوعی خواهد بود. آنچه پرتال جامع علوم انسانی (ensani.ir) را از سایر بانک‌های اطلاعاتی مشابه متمایز نموده است، دسترسی طبقه‌بندی شده موضوعی به مقالات علاوه بر امکان دسترسی از طریق جستجو و مراجعه به صفحه اختصاصی مجلات است. تمامی مقالات موجود در پرتال توسط کارشناسان متخصص حوزه‌های مختلف علوم انسانی و اسلامی براساس محتوای اثر، در بیش از ۳۲۰۰ حوزه تخصصی زیرمجموعه رشته‌های ادبیات، اقتصاد، تاریخ، تربیت بدنی، جغرافیا، حقوق، روان‌شناسی، زبان‌شناسی، علوم اجتماعی و ارتباطات، علوم اسلامی، علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، علوم کتابداری، فلسفه و منطق، مدیریت و حسابداری، مطالعات زنان و مطالعات هنر، طبقه‌بندی شده و قابل دسترس است.

در حال حاضر پرتال جامع علوم انسانی میزبان شمارگان مختلف بیش از ۱۱۵۰ نشریه علمی در حوزه های مختلف علوم انسانی و اسلامی است، که در کنار نشریات به روز، برخی از نشریات تاریخی، علمی و ادبی منتشر شده از سال ۱۳۰۰ نیز اسکن شده و در اختیار علاقمندان قرار گرفته است.

از لحاظ صاحبان آثار نیز، بیش از ۱۵۰ هزار «صاحب اثر» در پرتال دارای مطلب ثبت شده هستند که هر نویسنده دارای صفحه‌ای اختصاصی از آثار تولیدی خود می‌باشد که با جستجو قابل دسترس خواهد بود.

پرتال جامع علوم انسانی در سال ۱۳۹۵

پرتال جامع علوم انسانی در راستای فعالیت خود در زمینه بازانتشار نسخه الکترونیک مقالات علمی- پژوهشی، علمی- ترویجی و علمی - تخصصی حوزه علوم انسانی و اسلامی که در نشریات معتبر به چاپ می‌رسند، از آغاز سال ۱۳۹۵ تاکنون علاوه بر نمایه‌سازی و بارگذاری مقالات جدید و ثبت نشریات جدید، اقدام به آماده‌سازی مستندات جهت تغییرات نرم افزاری و اضافه نمودن امکانات جدید به پرتال نموده است.

بروزرسانی نشریات

از ابتدای سال ۱۳۹۵ تا کنون بیش از ۶۵۰۰ مقاله تمام متن در قالب ۷۸۰ شماره منتشر شده از بیش از ۳۲۰ نشریه علمی کشور در پرتال نمایه شده است که جدول ذیل به تفکیک مقالات هر حوزه را نمایش می‌دهد.

مقالات بارگذاری شده در پرتال جامع علوم انسانی بهار و تابستان ۱۳۹۵				
ردیف	نام پایگاه	تعداد مقالات	تعداد مجلات	تعداد شماره مجله
۱	ادبیات	۷۲۲	۴۲	۹۲
۲	اقتصاد	۷۳۷	۳۰	۹۴
۳	تاریخ	۴۶۷	۲۰	۶۱
۴	تربیت بدنی	۲۳۲	۱۳	۲۲
۵	جغرافیا	۵۵۸	۲۴	۵۵

مقالات بارگذاری شده در پرتال جامع علوم انسانی بهار و تابستان ۱۳۹۵				
۶	حقوق	۴۳۸	۱۹	۶۲
۷	روان‌شناسی	۶۸۰	۳۸	۷۹
۸	زبان‌شناسی	۲۷۰	۸	۳۰
۹	علوم اجتماعی	۳۲۱	۱۸	۳۹
۱۰	علوم اسلامی	۴۶۰	۳۸	۵۷
۱۱	علوم سیاسی	۱۴۹	۵	۲۳
۱۲	فلسفه و منطق	۱۸۰	۱۵	۲۴
۱۳	مطالعات زنان	۷۷	۷	۱۲
۱۴	مدیریت و حسابداری	۸۸۵	۳۴	۹۷
۱۵	مطالعات هنر	۹۸	۷	۱۲
۱۶	علوم کتابداری	۲۷۵	۴	۲۶
مجموع مقالات بارگذاری شده		۶۵۴۹ مقاله	۳۲۲ مجله	۷۸۵ شماره
مقالات در حال کارشناسی و دسته بندی موضوعی		۲۲۷۰	۲۰۰	۲۸۰

ثبت نشریات جدید در پرتال

در سال جاری تا کنون ۲۲ نشریه جدید به پرتال اضافه شده است؛ پژوهشنامه زبان و ادبیات روسی، اندیشه علامه طباطبایی، سراج منیر، اقتصاد منابع طبیعی، سیاستگذاری پیشرفت اقتصادی، مطالعات تاریخ اسلام، آب و هوا شناسی کاربردی، پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، پژوهشنامه روانشناسی مثبت، فناوری آموزش و یادگیری، پژوهش ملل، دولت پژوهی، مدیریت برند، مدیریت دارایی و تامین مالی، تاریخ نو، پیام فرهیختگان، شهر پایدار، مطالعاتی صیانت از حقوق زنان، پارس مدیر، زبان و زبان شناسی، آیت بوستان، فقه و حقوق اسلامی.

بازدید از پرتال

از آغاز سال ۱۳۹۵ تا کنون بیش از ۳ میلیون و ۴۰۰ هزار مراجعه کننده از ۱۵۰ کشور از پرتال جامع علوم انسانی بازدید نموده و بیش از ۳٫۵ میلیون داده تمام متن از پرتال دریافت کرده‌اند. میانگین بازدید کننده از پرتال در این مدت ۲۲ هزار بازدید کننده در هر روز بوده است.

پرتال جامع علوم انسانی با توجه به امکانات موجود سعی نموده تا در حداقل زمان ممکن، اقدام به بروزرسانی نشریات موجود و دارای موافقت نامه، نماید. با این وجود هستند نشریاتی که پرتال از آنها مجوز دریافت ننموده و نیازمند رایزنی و کسب اجازه برای درج و بروزرسانی مقالات در پرتال هستند.

پرتال جامع علوم انسانی از تمام اساتید، پژوهشگران و همکارانی که به نحوی با نشریات مختلف حوزه علوم انسانی و اسلامی در ارتباط بوده و خلأ حضور این نشریات را در پرتال احساس می‌کنند، دعوت می‌نماید تا با برقراری ارتباط میان پرتال و صاحبان نشریات، زمینه همکاری و درج این نشریات را در پرتال فراهم آورند.



گزارش فعالیت‌های «شورای سیاست‌گذاری طرح اعتلا» در مردادماه ۱۳۹۵

مربوطه واگذار گردید. همچنین طی تبصره‌ای مقرر شد تا در هر یک از رشته‌های مندرج در پروژه‌های سه‌گانه مزبور یک کتاب مستقل تدوین گردد. در کارگروه مبانی نظری علوم انسانی نیز اجرای پنج پروژه از پروژه‌های سال اول طرح اعتلا در حوزه مسائل این کارگروه پس از بحث و بررسی مفصل به شماری از استادان صاحب‌نظر در آن حوزه واگذار گردید.

برگزاری جلسات شورای مشورتی دبیران طرح اعتلا

شورای مشورتی دبیران طرح اعتلای علوم انسانی، ماه پرکاری را در مردادماه سال جاری پشت سر گذاشت. این شورا ۱۰ جلسه برگزار را با حضور دکتر طاهره کمالی‌زاده دبیر شورای سیاست‌گذاری، دکتر فرهاد زیویار دبیر کمیته علمی، دکتر امیری‌تهرانی مدیر امور پژوهشی و مسئول هماهنگی کارگروه‌های سه‌گانه کمیته علمی و شورای سیاست‌گذاری و مدیران کارگروه‌های سه‌گانه طرح، دکتر معین‌زاده، دکتر ملایی‌توانی و دکتر حسنی‌فر در مردادماه سال جاری برگزار کرد.

اعضای شورای دبیران در جلسات مردادماه بررسی محتوای فاز صفر را در دستور کار خود قرار داده و مصوباتی را در همین رابطه به تصویب رساندند. از جمله مسائلی که در این جلسات به بحث و بررسی گذاشته شد می‌توان به این موارد اشاره نمود: تعیین موضوع و تعداد پروژه‌های پژوهشی هر یک از حوزه‌های سه‌گانه مبانی، تاریخ و کاربست علوم انسانی؛ بررسی و تعیین تقدم و تأخر منطقی پروژه‌های پژوهشی هر یک از این حوزه‌ها؛ بررسی ارتباط منطقی میان پروژه‌های هر یک از حوزه‌های طرح اعتلا با دیگر حوزه‌ها؛ تعیین روش‌شناسی‌های دخیل در هر یک از حوزه‌های سه‌گانه؛ تعریف روش‌شناسی مناسب برای اجرای هر یک از پروژه‌های پژوهشی، و نهایتاً شکل دادن هسته‌های پژوهشی مناسب برای هر یک از پروژه‌های پژوهشی در هر یک از سه حوزه طرح اعتلا.

شورای دبیران در ادامه جلسات مشورتی خود در شهریور ماه، طراحی طرح‌نامه و جدول زمان‌بندی برای پروژه‌های طرح اعتلا و همچنین تدوین RFP جداگانه‌ای برای هر یک از پروژه‌های پژوهشی را در دستور کار خود قرار داده است. قابل ذکر است که مصوبات جلسات مردادماه شورای دبیران زمینه لازم را جهت برگزاری سومین نشست هم‌اندیشی طرح اعتلا با صاحب‌نظران علوم انسانی کشور را فراهم نمود.

«شورای سیاست‌گذاری طرح اعتلای علوم انسانی» به منظور پیش‌برد بهتر و سریع‌تر طرح جامع اعتلا و ساماندهی علوم انسانی، سومین نشست هم‌اندیشی خود را با حضور جمعی از اساتید و صاحب‌نظران برجسته حوزه علوم انسانی از دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی کشور و با محوریت تبادل نظر درباره آماده‌سازی بخشی از نتایج فاز مطالعاتی طرح اعتلا و تعیین همکاران مجری پروژه‌های تحقیقی سال اول طرح در روز دوشنبه، ۱۸ مرداد ماه ۱۳۹۵ در سالن اندیشه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار کرد.

در این نشست علمی، دکتر محمدرضا بهشتی استاد دانشگاه تهران، دکتر سلیمان حشمت و دکتر علی‌اصغر مصلح از دانشگاه علامه طباطبایی، دکتر ذاکر صالحی و دکتر فراستخواه از مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، دکتر محمد فاضلی معاون پژوهشی مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، دکتر منصورنژاد پژوهشگر حوزه علوم انسانی و دکتر اسدالله مرادی عضو هیأت علمی دانشگاه فرهنگیان، ریاست و اعضای شورای سیاست‌گذاری طرح اعتلا، دبیر کمیته علمی و مدیران کارگروه‌های سه‌گانه کمیته علمی و برخی از اعضای هیأت علمی پژوهشگاه حضور داشتند.

در ابتدای این جلسه پس از تلاوت آیاتی چند از قرآن مجید و خیر مقدم و معرفی برنامه توسط دبیر شورای سیاست‌گذاری، دکتر حسینعلی قبادی رئیس پژوهشگاه و رئیس شورای سیاست‌گذاری طرح جامع اعتلاء با موضوع «اقتضائات راهبردی مدیریت پروژه طرح اعتلا در شرایط کنونی» به سخنرانی پرداخت. سپس، دکتر سید محمدرضا امیری‌تهرانی توضیحات خود را پیرامون «سنجش میزان پیشرفت طرح اعتلا منطبق با ساختار آن» ارائه کرد.

در ادامه نشست، حاضران در جلسه به بحث و تبادل نظر درباره دستور جلسه، پرداختند. اهم مصوبات و پیشنهادات به شرح ذیل است:

نخست مسأله حفظ پیوستگی موضوعی و مطالعاتی پروژه‌های دو کارگروه کاربست و تاریخ تحول علوم انسانی مورد بحث و بررسی قرار گرفت و مقرر شد تا موضوعات این دو کارگروه به صورت تلفیقی به اجرا درآیند. بر این اساس پروژه بررسی تاریخی و تحلیل وضع موجود مهارت‌افزایی و اشتغال دانش‌آموختگان در برنامه‌های آموزشی رشته‌های مختلف علوم انسانی به سه پروژه متشکل از رشته‌های نزدیک تقسیم شد و مدیریت هر پروژه به مجری تعیین‌شده از طرف کارگروه

دکتر افراشی: طرح اعتلای علوم انسانی مهم‌ترین گام در جهت کارآمدسازی علوم انسانی است

دکتر آزیتا افراشی

- دانشیار و مدیر گروه پژوهشی زبان‌شناسی
حوزه نظری پژوهشکده زبان‌شناسی
- دبیر هیأت ممیزه پژوهشگاه
- عضو کمیسیون برنامه توسعه راهبردی
پژوهشگاه



طی می‌کند.

♦ به نظر شما چه اقداماتی می‌تواند به تحقق بهتر اهداف برنامه توسعه راهبردی کمک کند؟

اگر ما راهبردها و سیاست‌ها را در این برنامه مدنظر قرار دهیم، متوجه نحوه تحقق آن می‌شویم. مثلاً درخصوص راهبرد توسعه پژوهش، یکی از این سیاست‌ها ارتقای کیفیت پژوهش‌های بنیادی، توسعه‌ای و کاربردی علوم انسانی است. چنانچه ما به پژوهش‌های کاربردی توجه بیشتری داشته باشیم، مانند آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان، می‌توانیم به پیشرفت و تحقق برنامه توسعه راهبردی کمک کنیم. به عنوان نمونه‌ای دیگر می‌توان به راهبرد توسعه مناسبات فراگیر و توسعه شبکه‌سازی علوم انسانی توجه کنیم؛ ایجاد و توسعه شبکه علوم انسانی کشور در سطح ملی و مشارکت در شبکه علوم انسانی در سطح جهانی یکی دیگر از گام‌ها برای تحقق بخشیدن به برنامه توسعه است. مشخص است اگر ما ارتباطات دانشگاهی و پژوهشی مطلوبی را با دانشگاه‌های کشورهای دیگر داشته باشیم، می‌توانیم یکی دیگر از سیاست‌های برنامه توسعه را تحقق بخشیم. بنابراین، اگر روی هر کدام از این راهبردها و سیاست‌های مربوط به آن تمرکز کنیم؛ مطمئناً می‌توانیم نحوه تحقق این برنامه را دریابیم.

♦ برای ارتقای جایگاه پژوهشگاه در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی چه اقداماتی مفید است؟

این سؤال به قدری مهم است که لازم است روی آن بیشتر تمرکز کنیم. به خاطر اینکه فعالیت‌های علمی و پژوهشی امروزه در یک ساختار شبکه‌ای قابل درک است. هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند درون جزیره تنهایی خویش کار علمی و پژوهشی

دکتر آزیتا افراشی دانشیار و مدیر گروه پژوهشی زبان‌شناسی حوزه نظری پژوهشکده زبان‌شناسی و دبیر هیأت ممیزه پژوهشگاه و عضو کمیسیون برنامه توسعه راهبردی پژوهشگاه است. گفتگویی که پیش روی شماسست صحبت‌های ایشان در خصوص برنامه راهبردی پژوهشگاه است.

♦ روند اجرایی شدن برنامه توسعه راهبردی پژوهشگاه را چگونه می‌بینید؟

داشتن برنامه توسعه راهبردی یکی از الزامات هر نهادی به شمار می‌رود و بدون شک برای یک مؤسسه پژوهشی بسیار مهم است که برنامه توسعه داشته باشد. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی درخصوص تدوین این برنامه بدعت به خرج داده؛ خوشبختانه من هم این شانس را داشتیم که در جریان تدوین برنامه توسعه راهبردی پژوهشگاه باشم، چون عضو این کمیسیون بودم و در جلسات آن شرکت می‌کردم. در این مدت متوجه شدم که برنامه توسعه راهبردی پژوهشی از جدیدترین شیوه‌های مدیریتی پژوهش منشاء گرفته و یک ویژگی مهم آن این است که «خودجوش» است یعنی مبتنی و برگرفته از نیروهای انسانی و پتانسیل موجود در پژوهشگاه است و یک مسئله تحمیلی نیست که از بیرون به سیستم داخلی تحمیل شود. به همین دلیل فکر می‌کنم امکان موفقیت بالایی دارد و منشاء آن در امکانات واقعی پژوهشگاه است.

نکته دیگری که باید به آن توجه داشت ایجاد دفترهای مختلفی از جمله دفتر امور هیأت علمی و کرسی‌های نظریه‌پردازی، راه‌اندازی پژوهشکده علوم انسانی کاربردی و میان‌رشته‌ای است که همگی در راستای اهداف برنامه توسعه راهبردی پژوهشگاه عمل می‌کنند و به همین دلیل به نظر من پژوهشگاه یک مسیر منتهی به موفقیت را در جهت تحقق بخشیدن به برنامه توسعه



چه اقداماتی باید صورت گیرد؟

به نظر من طرح اعتلای علوم انسانی که پژوهشگاه مجری آن است، مهم‌ترین گامی است که تاکنون درخصوص کارآمدسازی و ارتقای علوم انسانی صورت گرفته است. البته این طرح، طرحی نیست که یک شبه به بار بنشیند و نیز ابعاد و جنبه‌های مختلفی دارد. این طرح از پیچیدگی‌های بسیاری برخوردار است و ویژگی مهمی که دارد این است که «پژوهش» و «تولید» در آن در عرض هم حرکت می‌کنند. استخراج مبانی تولید پژوهش در این طرح به طور همزمان صورت می‌گیرد. این اتفاقی است که در علم قرن ۲۱ دنیا می‌افتد؛ اینطور نیست که «نظریه‌پردازی» دوره‌ای را طی کند و بعد «کاربردی» شود.

♦ در مورد دبیرخانه هیأت ممیزه اگر حرف خاصی برای گفتن دارید، بفرمائید؟

در دوره ششم هیأت ممیزه پژوهشگاه کمیسیون‌ها و کمیته‌های منتخب با دقت و حساسیت خاصی انتخاب شدند که این موضوع نقطه قوت هیأت ممیزه دوره ششم به‌شمار می‌آید. خوشبختانه مشارکت زیادی هم بین کمیسیون‌ها، کمیته‌ها و هیأت ممیزه برقرار است.

درمجموع شخصاً نظم زیادی را در عملکرد هیأت ممیزه می‌بینم و مجموعاً عملکرد هیأت ممیزه را در چند ماه اخیر مثبت ارزیابی می‌کنم. این در حالیست که تعداد پرونده‌هایی که بررسی شده نیز زیاد بود. کارشناس هیأت ممیزه آقای شوهانی بسیار منظم و آگاه به قانون هستند. این قبیل موارد از نکات مثبت عملکرد دبیرخانه هیأت ممیزه است، ضمن اینکه این دبیرخانه کاملاً زیر نظر دکتر قبادی فعالیت می‌کند و ایشان زمان زیادی را برای هدایت دبیرخانه اختصاص می‌دهند.

و در کلام آخر می‌خواهم بگویم که: حدود ۱۷ سال است که در دانشگاه‌های مختلف فعال هستم، ضمن اینکه حدوداً ۸ سال است که در دوره دکتری زبان‌شناسی تدریس می‌کنم. مقالات و کتاب‌هایی به‌چاپ رسانده‌ام و معتقدم اگر پژوهش و آموزش در کنار هم صورت بگیرد، هر دو قوت می‌گیرند. در مجموع آموزش را مثل ویتترین پژوهش ارزیابی می‌کنم و معتقد هستم اگر پژوهشگر بیشتر وقت خود را به پژوهش اختصاص دهد و پرمغزترین یافته‌های خود را در کلاس‌های آموزشی به دانشجویان منتقل کند، موفقیت مهمی حاصل می‌شود. تجربه فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی‌ام این درس را به من داد که منش و خوی هر شخصیت علمی با مراتب علمی او عجین است. پیشرفت در عرصه‌های علمی باید با عمیق‌تر شدن خصلت‌های اخلاقی و انسانی توأم باشد. چنین الگویی می‌تواند بر دانشجویان تأثیر بگذارد و انگیزه فعالیت علمی را تقویت کند.

باعث افتخار است که عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی هستم و در این فضای بسیار انسانی و دوستانه فرصت خدمت به وطنم را پیدا کرده‌ام.

انجام می‌دهد. به‌همین دلیل است که مناسبات ملی و بین‌المللی اهمیت بالایی به‌خود می‌گیرد. البته در جهت نیل به این اهداف، نکته‌های زیادی را باید مورد توجه قرار داد. باید بدانیم روندهای پژوهشی در سطح بین‌المللی چه مواردی هستند و ما چقدر و تا چه اندازه در پژوهش به آنها توجه می‌کنیم. در این خصوص باید ارزیابی درستی از نیروها و توانمندی‌های خودمان داشته باشیم و بدانیم چه چیزی برای ارائه داریم؟! محقق نمی‌تواند از پشت درهای بسته ارزیابی درستی از وضعیت علوم مختلف در جهان به‌دست آورد بلکه، باید داشته‌های خود را آسیب‌شناسی کنیم و بدانیم که نقاط ضعف و قوت‌مان در چه مواردی است تا بعد از آن برای ورود به عرصه‌های بین‌المللی اقدام کنیم. در این خصوص نکته مهمی که باید مطرح شود این است که ما باید توانایی و امکانات لازم را برای حضور تأثیرگذار در کنفرانس‌های بین‌المللی کسب کنیم. باید به‌مرور زمان بتوانیم پروژه‌ای را با فراغ بال آماده کنیم و در یک مجمع بین‌المللی ارائه دهیم و این نکته باید به مثابه مبانی تبادلات بین‌المللی برای فعالیت‌های علمی و پژوهشی مورد توجه قرار گیرد.



♦ پژوهشگاه چگونه می‌تواند در نظام تصمیم‌سازی ملی نقش مؤثری را برعهده بگیرد؟

برای موفقیت در این زمینه بهتر است به دو ساحت نظری و کاربردی پژوهش بپردازیم. وقتی پژوهش جنبه کاربردی پیدا می‌کند آن وقت است که ما می‌توانیم نیازهای واقعی جامعه پژوهشی‌مان را درک کنیم. در این زمینه فعالیت یک پژوهشگر مثلاً پژوهشگر علوم اجتماعی بسیار مهم است. چون پژوهش‌های آنها عموماً «میدانی» و بازتاب دهنده واقعیت است و پژوهشگر با رویدادهای اجتماعی آشنا می‌شود و به اطلاعاتی ملی و کاربردی درخصوص برخی نیازمندی‌ها دسترسی پیدا می‌کند که این اطلاعات می‌تواند به کل پژوهشگاه ارائه شود. همچنین پژوهشگردهای که کار نظری بیشتری انجام می‌دهد، مثل پژوهشگر زبان‌شناسی با توجه به یافته‌های میدانی و جنبه‌های کاربردی پژوهش جهات تازه‌ای برای فعالیت‌های نظری می‌یابد. بنابراین تعامل بین پژوهشگردها می‌تواند به شناسایی و رفع نیازهای پژوهشی کمک شایانی کند.

♦ به‌منظور ارتقای کارآمدی علوم انسانی در کشور

گزارشی از کارگاه‌های برگزار شده پژوهشکده زبان و ادبیات

دوره آموزشی: معرفی آبرونی و ادبیات آبرونیک (درآمدی بر شناخت مفهوم آبرونی از افلاطون تا روزگار مدرن)

در این دوره آموزشی آشنایی با لفظ ابرونیایی یونانی، آبرونیای لاتین و آبرونی انگلیسی و معانی ویژه هر کدام و وجوه تفارق و تشابه آنها (تقریباً برای نخستین بار در زبان فارسی)، ایجاد بستری اندیشگانی برای طرح مسأله نسبت فلسفه و شعر از زاویه آبرونی، درآمدی به «نظریه ادبی افلاطون» مورد بررسی قرار گرفت و آشنایی با پاره‌ای از متون آبرونیک پارسی آشنا و وجوه آبرونیک آنها تحلیل شد.

دوره آموزشی شاهنامه فردوسی، داستان سیاوخش

دوره آموزشی شاهنامه فردوسیکیلیاتی درباره شاهنامه و اسطوره سیاوخش و بررسی پیشینه این داستان در متون پهلوی و اوستایی است. در این دوره آموزشی خوانش متن داستان، بررسی واژگانی و دستوری با نگاهی به تصحیح انتقادی متن و معنی بیت‌ها و تحلیل اسطوره‌های داستان تحلیل و داستان‌ها از منظر اسطوره‌های تفسیر شد همچنین روایات مربوط به سیاوخش در فرهنگ مردم بررسی و رابطه آنها با متن شاهنامه مورد سنجش و بررسی قرار گرفت.

بررسی نقاشی‌های قدیمی بازمانده از مراسم سوگواری سیاوخش در پنجیکنت و جاهای دیگر و نیز بررسی نقاشی‌های شاهنامه از داستان سیاوخش و سنجش آنها با متن شاهنامه از دیگر مواردی بود که در این دوره آموزشی مورد توجه قرار گرفت.

دوره آموزشی: تصحیح انتقادی متون فارسی (بر بنیاد شاهنامه و دیوان حافظ)

دوره آموزشی تصحیح انتقادی متون فارسی در واقع آشنایی کارآموزان با نسخه‌های خطی متون فارسی و شیوه‌های مختلف تصحیح انتقادی می‌باشد. در این دوره پس از طرح مباحث نظری و تاریخیچه‌ای از تصحیح متن در کشورهای غربی و ایران، با عرضه نمونه‌هایی از متون منظوم و منثور فارسی، به‌ویژه شاهنامه، دیوان حافظ و ترجمه تفسیر طبری، تصحیح انتقادی متون به صورت عملی به کارآموزان آموزش داده شد.

مدرس این کارگاه مراحل مختلف تصحیح انتقادی متن را به شرح زیر ارائه داد: ۱. انتخاب متن؛ ۲. بررسی فهرست‌های نسخه‌های خطی و شناسایی همه نسخه‌های موجود از متن مذکور در کتابخانه‌های ایران و خارج از ایران؛ ۳. انتخاب کهن‌ترین و معتبرترین نسخه‌ها برای تصحیح؛ ۴. انتخاب نسخه اساس تصحیح؛ ۵. تعیین ترتیب نسخه‌های دیگر، بازم بر اساس قدمت و اعتبار آنها؛ ۶. انتخاب نشان اختصاری گویا برای هر نسخه؛ ۷. نگارش یا تایپ نسخه اساس؛ ۷. مقابله نسخه‌های دیگر با نسخه اساس و تعیین متن اصلی؛ ۸. ثبت اختلاف‌های ریز و درشت نسخه‌ها (نسخه بدل‌ها) در پانویست به همان ترتیب تعیین شده؛ ۹. نگارش مقدمه در معرفی نسخه‌ها و ویژگی‌های زبانی متن؛ ۱۰. نگارش یادداشت‌ها (تعلیقات) در شرح بخش‌های دشوار متن و توضیح چرایی و چگونگی گزینش ضبط‌های نسخه‌ها؛ ۱۱. تدوین واژه‌نامه و نمایه نام‌های خاص.



بازدید اساتید و کارمندان پژوهشگاه از آسایشگاه جانبازان

به همت معاونت فرهنگی و اجتماعی و به مناسبت هفته دفاع مقدس، روز دوشنبه ۲۹ شهریورماه، بازدیدی از آسایشگاه جانبازان انجام گرفت. در این بازدید که با حضور تعدادی از همکاران پژوهشگاه صورت گرفت، ضمن گفت‌وگو با جانبازان عزیز و پخش گل و شیرینی، از فداکاری جانبازان سرافراز هشت سال دفاع مقدس تقدیر به عمل آمد. جانبازان نیز در خصوص زمان و نحوه جانبازی و وضعیت زندگی خود توضیحاتی ارائه کردند.



نشست «شکست هماهنگی و سیاستگذاری اقتصاد مقاومتی»

پژوهشکده مطالعات تطبیقی، اقتصاد و مدیریت، نشست «شکست هماهنگی و سیاستگذاری اقتصاد مقاومتی»، روز چهارشنبه ۱۷ شهریور ۱۳۹۵ با سخنرانی دکتر سیداحسان خاندوزی، عضو هیأت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، برگزار کرد. در این نشست که با حضور اعضای هیأت علمی و پژوهشگران علاقه‌مند برگزار شد، دکتر خاندوزی اظهار داشت که اقتصاد مقاومتی برای اقدام و عمل با دو چالش در زمینه هماهنگی میان مجریان اقتصاد مقاومتی و همچنین در زمینه سیاستگذاری و ارائه راهکارهای عملی برای تحقق سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری، مواجه است. نمونه این چالش هماهنگی در مورد مبارزه قاچاق، آلودگی هوا و مواردی از این قبیل است. به دلیل همین چالش، مجریان اقدام به پروژه‌ای کردن سیاست‌ها می‌کنند و در سطح برنامه به اجرا در نمی‌آید. از سوی دیگر عملی شدن سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به اصلاحات ساختاری نیاز دارد که آن‌هم به دلیل دشوار بودن و زمان‌بر بودن برای اجرای آن، اقدام خاصی پیشنهاد نشده است. در مجموع می‌توان گفت مادامی که در هماهنگی دستگاه‌های مجری و یافتن راهکارهای عملی اقتصاد مقاومتی توفیقی نباشد، نمی‌توان به تحقق اقتصاد مقاومتی و اقدام و عمل، امید زیادی داشت.

گزارش «روز ملی شعر و ادب فارسی» و مراسم بزرگداشت استاد محمدحسین شهریار



پژوهشکده زبان و ادبیات به مناسبت «روز ملی شعر و ادب فارسی» و روز گرامیداشت استاد محمد حسین شهریار، مراسمی را با حضور جمعی از استادان، دانشجویان و کارکنان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، روز شنبه ۲۷ شهریورماه ۱۳۹۵ در سالن حکمت پژوهشگاه برگزار کرد و طی آن از سرکار خانم دکتر روح‌انگیز کراچی، استاد پژوهشکده ادبیات، به مناسبت برگزیده شدن کتاب ایشان تحت عنوان: «زنان شاعر در تاریخ ادب فارسی تا سده هشتم هجری جلد اول» در هفتمین جایزه ادبی پروین اعتصامی تجلیل نمود. در این مراسم همچنین از سه تن از کارشناسان تازه بازنشسته پژوهشکده ادبیات خانمها، کبری عزیزیان، افسانه محجوب آفاق و ناهید ذاکری تقدیر شد.

شایان ذکر است که این مراسم با سخنرانی رئیس پژوهشگاه، دکتر حسینعلی قبادی در خصوص خدمات علمی و پژوهشی سرکار خانم دکتر کراچی آغاز شد و سپس دکتر تقی پورنامداریان درباره شعر و ادب فارسی سخنانی ایراد کردند. آنگاه نماهنگی با محوریت معرفی مجموعه‌ای از مهم‌ترین فعالیت‌های پژوهشی دکتر روح‌انگیز کراچی پخش شد و از خانم دکتر کراچی تقدیر شد. در بخش دیگر مراسم دکتر قبادی و دکتر محمدنژاد رئیس پژوهشکده ادبیات، از همکاران تازه بازنشسته تقدیر کردند.

پس از آن دکتر عیسی امن‌خانی از استادان محترم دانشگاه گلستان در مورد ارزش‌های علمی و تحقیقی کتاب خانم دکتر کراچی که موفق به کسب هفتمین جایزه ادبی پروین اعتصامی شده بود، سخنرانی کرد و بر ضرورت پیگیری این تحقیق تأکید نمودند.

در انتهای جلسه نیز گروه موسیقی حاضر در جلسه به اجرای برنامه شعر خوانی و موسیقی سنتی پرداخت.



نشست تخصصی «رهیافت‌های علم‌شناسانه به دانش‌های علوم قرآنی»

(درآمدی بر فلسفه علوم قرآنی)

برویم که کاربردی باشد اندیشه‌ای که در جامعه به درد ما بخورد. مطالعات علوم قرآنی باید از دو روش عقلی و نقلی صورت بگیرد که هر یک خود شاخه‌های مختلفی از فلسفه تا جامعه‌شناسی و عرفی دارد. قرایی با اشاره به اینکه بین فلسفه هر علم و تاریخ آن ارتباط وجود دارد، اظهار داشت: بازبینی آثار و منابع گذشته و حال علوم قرآنی در فرآیندهایی طبیعی پیدایش و رواج آن، سرشار از نکات و اشاراتی دال بر دستیابی به مباحث علم‌شناختی خواهد بود. فراگیر شدن مباحث قرآن‌شناخت بر سایر علوم اسلامی و نزد عموم دانشمندان مسلمان، اعم از فقیه، اصولی، متکلم، مفسر و فیلسوف و ... به رویافت‌های علم‌شناختی مبتکرانه در علوم قرآنی منتهی خواهد شد.

تفکیکی بین فلسفه علوم قرآن و علم قرآن وجود ندارد! دکتر جلیلی استادیار دانشگاه خوارزمی و عضو هیات مدیره انجمن ایرانی مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی سخنران دیگر این نشست بود که در آغاز در رابطه با عنوان بحث گفت: زمانی که گفته می‌شود فلسفه علوم قرآنی باید مشخص کنیم که منظور چیست، آیا قلمرویی از مطالعات مدنظرمان است یا اینکه فلسفه رشته علوم قرآنی را مطرح می‌کنیم؟ حتی برخی ممکن است که این مسئله را فراتر ببرند و مطرح کنند که مراد از فلسفه علوم قرآنی، فلسفه محتواهای قرآنی است همچنین می‌توان این مسئله را به سمت فلسفه کلیت مطالعات قرآنی برد نه علوم قرآنی.

وی در ادامه افزود: ابتدا باید بین علوم قرآنی و فلسفه آن تفکیک ایجاد کنیم. این علوم قرآنی که امروز به عنوان علم مطرح است یکی از رشته‌هایی است که می‌توانسته پدید بیاید. آنچه که چهار دهه پیش تحت عنوان رشته علوم قرآن و حدیث در فضای جامعه آکادمیک ایران پدید آمده، یکی از امکان‌هایی است که تحقق پیدا کرده است.

دکتر جلیلی با اشاره به اینکه ما حتی بر سر اسم علوم قرآن هم اتفاق نظر نداریم، افزود: یک نفر امروز بگوید من می‌خواهم فلسفه علوم قرآن کار کنم یا اینکه علم قرآن کار کنم چه تفاوتی بین اینها وجود دارد؟!

وی اظهار داشت: اختلاف دیگر بر سر تعریف علوم قرآنی است. از این رو نخستین کاری که فلسفه علوم قرآنی باید انجام دهد، ایضاح مفاهیم کلیدی در علوم قرآنی مانند تفسیر، تأویل و ... است، بعد باید به درستی و نادرستی پیش‌فرض‌ها در علوم قرآنی پرداخت و در ذیل این کار به پیش‌فرض‌های روش‌شناسانه نگاه مجددی داشت. همچنین باید تقدم و تأخیر علوم قرآنی را با سایر قلمروها مشخص کرد و نیز باید به بررسی لوازم و پیامدهای فلسفی نظریات در علوم قرآنی پرداخت.

نشست تخصصی «رهیافت‌های علم‌شناسانه به دانش‌های علوم قرآنی (درآمدی بر فلسفه علوم قرآنی)»، به همت پژوهشکده مطالعات قرآنی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و با همکاری انجمن ایرانی مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، با حضور دکتر احمد قرایی سلطان‌آبادی عضو هیأت علمی دانشگاه ولی‌عصر (عج) رفسنجان و دکتر سید هدایت جلیلی عضو هیأت علمی دانشگاه خوارزمی تهران برگزار گردید.

در ابتدای این نشست، دکتر سلطان‌آبادی با اشاره به اینکه بحث‌هایی که درباره فلسفه علوم قرآنی محدود شده اما غنیمت است، افزود: اگر در مجلات و سایت‌های علمی - پژوهشی نگاه کنیم، نوشته‌هایی درباره فلسفه علم هست اما کارهای ما حرکت‌های تکمیلی در طول سایر فعالیت‌ها است. منظور از فلسفه‌ای که به علم در غرب اضافه شده، علوم تجربی و طبیعی است و ما امروز یک شاخصه عملی و کاربردی نداریم برای الگوسازی در کارهای علوم قرآنی نداریم.

وی با بیان اینکه فلسفه‌های مضاف که امروزه به فلسفه‌های علوم گفته می‌شود در حوزه‌های قرآنی نیز می‌تواند مورد توجه قرار بگیرد، افزود: کسانی که در حوزه فلسفه علم کار می‌کنند عینکی به چشم می‌زنند تا ببینند چطور آن علم را می‌توان پویا کرد. به طور مثال یک فقیه باید حوزه‌های پویایی شناسی فقه را پیدا کند.



این مدرس دانشگاه افزود: ارسطو در مقدمات کتاب «ما بعد الطبیعه» بسیار پرمحتوا بحث علم را مطرح کرده است، ما زمانی درباره فلسفه تاریخ، حقوق، اخلاق و ... صحبت می‌کنیم، چنین علم‌هایی که فلسفه بدان می‌پردازد معرفت درجه اول می‌شود. اما معرفت‌های درجه دوم حوزه‌های علم‌شناختی یا فلسفه هر علم هستند. همین که ما ذهن‌تیمان درگیر شود که حقوق، اخلاق، علوم قرآنی و علوم حدیث را بفهمیم معرفت درجه دوم است.

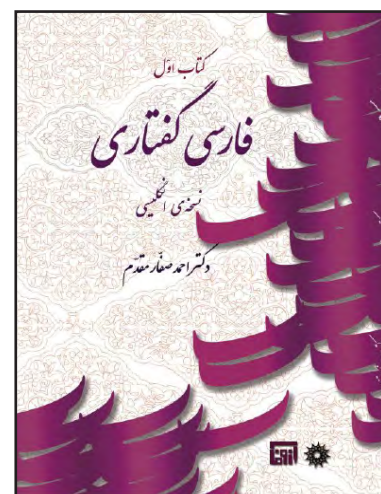
وی با اشاره به اینکه قرآن و سنت پیامبر جزو واقعیت‌ها محسوب می‌شوند که دیگر نیاز به توضیح ندارند و هر علمی که موضوعش یک واقعیت باشد، علم درجه اول محسوب می‌شود. امروز مشکل ما در علوم قرآنی نقل‌گرایی افراطی است، ما باید به سمت تفکری

از سوی دیگر نیز حساسیتش بیشتر است و گام نهادن در این عرصه فوق‌العاده مهم است، افزود: اگر گام‌های نخست درست برداشته نشود و در جامعه ما به درستی طرح نشود، حکایت همان خشت اول خواهد بود. تجربه ورود فلسفه علم به ایران همین نکته را به ما می‌آموزد که باید احتیاط زیادی کنیم، فلسفه علم چند دهه افت و خیزها و مسائل بسیاری پیدا کرد و آرام وجه آکادمیک خود را پیدا کرده است.

دکتر جلیلی یادآور شد: ابهامی که بر سر مجموعه علوم قرآن است در بحث تفسیر اصلاً دیده نمی‌شود اما زمانی که نوبت به فلسفه علوم قرآنی می‌رسد ما دست انداز را مربوط به بحث علوم قرآنی می‌بینیم نه فلسفه، چرا که عنوان فلسفه در جاهای دیگر مشکلاتی را کمتر ایجاد کرده اما در این حوزه اختلافات زیاد است. وی با اشاره به اینکه بحث فلسفه علوم قرآنی یا رهیافت‌های علم‌شناسانه به علوم قرآنی از یک سو نوآورانه است



تازه‌های نشر پژوهشگاه



تحصیلات تکمیلی

با رعایت شروطی از سوی دانشجویان، تصویب شد. در ادامه گزارشی از جلسات دفاعیه‌های پایان‌نامه‌های دانشجویان آمده است.

مدیریت تحصیلات تکمیلی در جلسه‌ای که در سوم شهریورماه ۱۳۹۵ برگزار کرد، طرح‌نامه پایان‌نامه کارشناسی ارشد و چندین طرح‌نامه رساله دکتری دانشجویان را مورد بررسی قرار داد و

گزارشی از دفاعیه دانشجویان دکتری پژوهشگاه علوم انسانی در شهریور ۱۳۹۵

متفاوت و با رویکردی نو که حاصل تلفیق روش‌ها و فنون زبان‌شناسی پیکره‌ای و انگاره زبان‌شناسی شناختی می‌باشد، مورد توجه قرار گرفته است.

آن‌گونه که گزارش شد در این پژوهش با استفاده از متون گفتاری و نوشتاری پایگاه داده‌های زبان فارسی، یک پیکره زبانی متوازن به‌عنوان پیکره مبنا طراحی و ایجاد شده است تا بر اساس آن نسبت به تحلیل پیکره‌های زبانی متون مندرج در سه عنوان از کتاب‌های آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان که در مهم‌ترین مراکز آموزشی داخل ایران بیشترین کاربرد را دارند، اقدام شود. بر این اساس ۸ تحلیل متفاوت زیر بر روی پیکره‌های زبانی کتاب‌ها صورت گرفته است: میزان پوشش پُرسامدترین واژگان زبان فارسی در محتوای آموزشی؛ میزان بزرگی و حجم متون زبانی کتاب‌ها؛ تکرار هر یک از واژه‌های هدف‌گذاری شده؛ نسبت نوع‌واژه به نمونه‌واژه؛ پراکندگی توزیعی واژه‌های هدف‌گذاری شده برای آموزش؛ بررسی مفاهیم شناختی مقولات شعاعی (radial categories)؛ تعبیر و صورت‌بندی (construal)؛ و استعاره (metaphor). هرچند کتاب صفارمقدم (۱۳۸۶) در برخی از تحلیل‌های فوق بهتر از سایر کتاب‌ها عمل کرده است، اما پژوهش نشان داد که لازم است محتوای واژگانی کتاب‌ها با توجه به یافته‌های پژوهش مورد بازنگری جدی قرار گیرد.

پس از دفاع دانشجو، دکتر عاصی به عنوان استاد راهنمای رساله بیان داشت که روش‌ها و تحلیل‌های انجام گرفته در این پژوهش می‌تواند به‌عنوان یک الگوی روش‌شناسی جدید برای استخراج و تحلیل داده‌های زبانی در دیگر پژوهش‌ها

جلسه دفاعیه کیومرث جهانگردی دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی

موضوع: تحلیل کتاب‌های آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان (رویکرد پیکره‌ای - شناختی)

تاریخ برگزاری: ۹۵/۰۶/۰۹

استاد راهنما: دکتر سید مصطفی عاصی

استادان مشاور: دکتر آریتا افراشی، دکتر امیر رضا وکیلی فرد

استادان داور: دکتر احمد صفار مقدم، دکتر شهین نعمت‌زاده،

دکتر سید محمد حسینی معصوم

در این جلسه کیومرث جهانگردی دانشجوی رشته زبان‌شناسی همگانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به مدت نیم ساعت از رساله خود با عنوان «تحلیل کتاب‌های آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان: رویکردی پیکره‌ای - شناختی به آموزش واژگان» که با راهنمایی دکتر مصطفی عاصی و مشاوره دکتر آریتا افراشی و دکتر امیررضا وکیلی فرد تدوین یافته بود، دفاع کرد. پژوهش درباره آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان و تحلیل محتوای آموزشی آن، از موضوعاتی است که بارها مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است، با وجود این تشریح شد که در این پژوهش همین موضوع از زاویه‌ای

مورد استفاده قرار گیرد. تعامل و همکاری با زبان‌شناسان و مهندسان برجسته حوزه علوم رایانه برای سازگار نمودن نرم‌افزار رایانه‌ای نظیر ورداسمیت (منتشر شده توسط دانشگاه آکسفورد) با زبان فارسی از دیگر دستاوردهای پژوهش تلقی شد. دکتر افراشی به عنوان استاد مشاور اول رساله اشاره کرد که یافته‌های حاصل از تحلیل‌های پژوهش نشان می‌دهد که داده‌های استخراج شده از پیکره‌های زبانی می‌تواند در بهبود بخشی به درون‌داد زبانی زبان‌آموزان، چه در قالب تهیه و تدوین کتاب‌های درسی و کمک آموزشی و چه در قالب تدریس

مستقیم و تنظیم فهرست واژه‌های ضروری برای حوزه‌های مختلف آموزش زبان بسیار مؤثر واقع گردد. پس از شنیدن خطابه دانشجو، پرسش‌های هیأت محترم داوان مطرح گردید و دانشجو با پاسخ به این پرسش‌ها از رساله خود دفاع کرد. در پایان هیأت محترم داوران و اساتید راهنما و مشاور به شور نشسته و با نمره ۱۹/۸۷ و درجه عالی به رساله دانشجو، وی را دانش‌آموخته مقطع دکتری رشته زبان‌شناسی همگانی تشخیص دادند.

جلسه دفاعیه فهیمه شکبیا دانشجوی دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی

موضوع: بررسی زبان‌شناختی متن ختنی بدره چریا دشنا

تاریخ برگزاری: ۹۵/۰۶/۲۰

استاد راهنما: دکتر مهشید میرفخرایی

استاد مشاور: دکتر محمد تقی راشد محصل

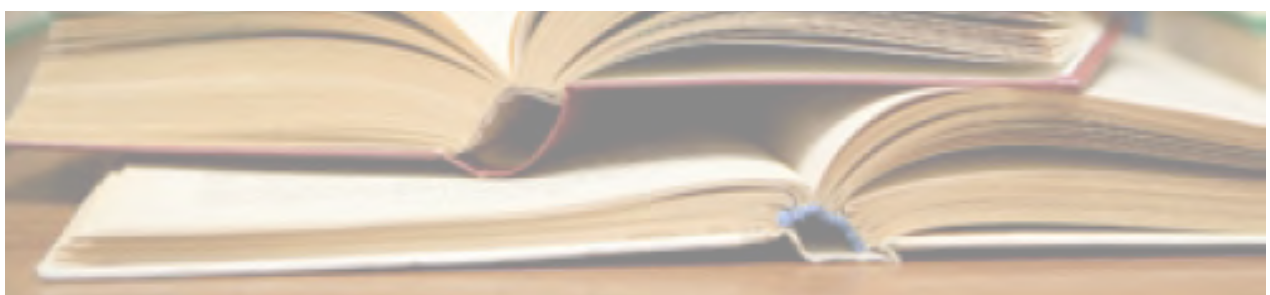
استادان داور: دکتر سیروس نصراله‌زاده، دکتر فرزانه گشتاسب، دکتر محسن ابوالقاسمی

این جلسه در ساعت ۱۳ در سالن ادب پژوهشگاه با حضور اساتید و جمعی از علاقمندان و دانشجویان دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی برگزار گردید. در ابتدا دانشجو به مدت ۲۰ دقیقه به دفاع از رساله خود پرداخت: بدره‌چریادشنا نام متنی بودایی مربوط به مکتب مهاییانه است که ترجمه نسبتاً آزادی از متن سنسکریت آن است. متن به زبان ختنی نو نوشته شده و در برخی موارد، چند بند ختنی ترجمه یک بند سنسکریت بودایی است. این متن از قرن چهارم میلادی به عنوان متنی عبادی به طور گسترده میان پیروان مهاییانه کاربرد داشته‌است. بدره‌چریادشنا منظوم و در ۶۸ بند تصنیف شده (بند ۵۵ آن اشتباهی ۵۶ شماره‌گذاری شده، بنابراین آخرین بند آن با عدد

۶۹ مشخص شده‌است) و در آن بر شایستگی‌های رفتار نیک و اعتراف به گناه تأکید شده‌است. عنوان بدره‌چریادشنا معمولاً به مطالعات ایرانی آن مربوط است. متن سنسکریت آن با عنوان‌های مختلف از جمله بدره‌چری شناخته می‌شود و مجموع ۶۲ بند را شامل می‌شود. مؤمن معتقد در شمار اول شخص مفرد تمام بوداها را نماز می‌برد و پیمان پرهیزکاری می‌بندد. رسیدن به بیداری را متعهد می‌شود و آرزو می‌کند بودای امیتایوس را ببیند و در سرزمین سوکاوته زایش دوباره یابد. نام بدره‌چریادشنا از آخرین واژه‌ی دستنویس ختنی گرفته شده‌است. متن در میان نسخه‌های مجموعه‌ی پلیو در کتابخانه‌ی ملی پاریس با نام P3513 شناخته می‌شود.

دکتر میرفخرایی به عنوان استاد راهنمای رساله به دفاع و تجلیل از رساله خانم شکبیا پرداخت و مطالعه دقیق در موضوع فوق، نوآوری در کار و خلاقیت و روشمند بودن پژوهش را یادآوری نمود.

دکتر ابوالقاسمی به عنوان استاد داور مدعو رساله، به برخی نکات دستور زبان در رساله و طرح پرسش از دانشجو درباره معنای برخی واژه‌ها پرداخت که دانشجو پاسخ داد. پس از شنیدن خطابه دانشجو، پرسش‌های هیأت محترم داوران مطرح گردید و دانشجو با پاسخ به این پرسش‌ها از رساله خود دفاع کرد. در پایان هیأت محترم داوران و اساتید راهنما و مشاور به شور نشسته و با نمره ۱۹/۷۵ و درجه عالی به رساله دانشجو، وی را دانش‌آموخته مقطع دکتری رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی تشخیص دادند.



[illegible]

www.ihcs.ac.ir